

جوار | هفته‌نامه سفارت ج.ا.ا در واتیکان
سال سوم | شماره ۱۲۸ | ۱۵ آبان ۱۴۰۵

۱۲۸

پیام سفیر

کلیک کنید

آنچه در این شماره می خوانیم:

گزیده ای از بیانات سیدالشهدای انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری(ره) بمناسبت "روز فرهنگ عمومی".....۳

یادداشت مدیرمسئول: فرهنگ عمومی؛ تجلی ایمان و اخلاق، پیشران همبستگی اجتماعی و تعالی تمدنی به مناسبت روز فرهنگ عمومی.....۵

مازندران؛از افق سبز هیرکانی تا سپیده‌دم تشیع علوی؛دکتر مرتضی هاشم پور؛دانش آموخته پسادکتری،پژوهشگر و مؤلف.....۱۲

دیدار و نشست رئیس کلیسای سن مارکو رُم ایتالیا با سفیر محترم درمحل نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در واتیکان.....۱۶

فرانسیس دآسیسی، عارف قرن دوازدهم جهان مسیحیت ؛جوزپه آیلوو ؛پژوهشگر ایتالیایی.....۱۹

نوشتار تحت عنوان:" آفریقا، هوش مصنوعی و مسئله هسته‌ای" (نویسنده: جولیانو آلبانزه).....۲۲

نوشتارتحت عنوان:" شاخ آفریقا، گسل ژئوپلیتیکی نظم نوین جهانی" (نویسنده: جولیانو آلبانزه).....۲۸

حدیث هفته.....۳۳

واتیکان در هفته ای که گذشت.....۳۴

گفت‌وگو

هفته نامه سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان

سال سوم شماره ۱۲۸ جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵

6 November 2026

صاحب امتیاز : سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان

مدیر مسئول : دکتر محمدحسین مختاری

سر دبیر : امیرحسین شاکری

تهیه شده در : بخش فرهنگی

آدرس : Via Bruxelles,57 cap:00198

تلفن : 0039068552494

پست الکترونیکی : vat.media@mfa.gov.ir

وب سایت : https://vatican.mfa.gov.ir/portal

شبکه ایکس : Irantotheholysee@Iraninvatican

گزیده ای از بیانات سیدالشهدای انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری(ره)

بمناسبت "روز فرهنگ عمومی"



- به نظر بنده، فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش، امور و مسائلی است که بارز و ظاهر و جلوِ چشم است و حقیقتاً هم در سرنوشت یک ملت دخالت دارد؛ اما در دراز مدت تأثیر می کند. یعنی در مسیر زندگی و حرکتهای آینده یک ملت تأثیر دارد. مثلاً شکل لباس و چه پوشیدن و چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزو مصادیق و نمونه‌های بارز فرهنگ عمومی جامعه است. یا شکل معماری در جامعه و در چگونه خانه‌ای زندگی کردن، بخشی از فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد. زیرا خانه‌های قدیمی ما یک نوع خانواده و خُلقیّات بار می‌آورند (حیاط بزرگ، حوضی در وسطش و اتاقهایی در اطراف. از این اتاقْ پدر بزرگ در می‌آید و از آن اتاقْ دایی و از آن یکی هم عمو. بچه‌های خانواده، همه دور هم و بَرِ یک سفره جمع می‌شوند و در واقع، این خانه است که خانواده را به دنبال خود می‌کشاند) و آپارتمان نوعی دیگر از خانواده ایجاد می‌کند. حتّی شکلِ در و پنجره و ارتباط اتاقها با هم، به ناچار تأثیر خاصی بر ذهن و خُلق و منش و تربیت افراد دارد. از این‌رو، امروز – خوشبختانه – می‌بینیم که در تلویزیون و میزگردها و گفتارها، بر معماری سنّتی ایرانی تکیه می‌شود. در کردارها نمی‌دانم چگونه است. ولی به هرحال، آنچه معلوم است این‌که ، این ملت کهن و بزرگ، قبل از این‌که از سبک معماری اروپایی تأثیر بپذیرد، خودش یک سبکِ معماریِ خاص داشته است.
- عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است.
- ما مسئولیّت شرعی داریم، مسئولیّت قانونی داریم در قبال فرهنگ کشور و فرهنگ عمومی کشور.
- دولت و مسئولان موظّفند که توجّه کنند به جریان عمومی فرهنگ جامعه؛ ببینند کجا داریم میرویم، چه دارد اتّفاق می‌افتد، چه چیزی در انتظار ما است؛ اگر چنانچه مزاحماتی وجود دارد، آنها را برطرف کنند.
- در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روز به روز بایستی تحول صورت گیرد و پیشرفت حاصل گردد.
- اصلاح فرهنگ عمومی، از همه‌ی کارها مهمتر است؛ چون این کار، محور همه‌ی کارهای دیگر است.
- جهت گیری عمده‌ی مطبوعات، باید اصلاح فرهنگ عمومی باشد.

- خوب؛ اینها از موارد فرهنگ عمومی است که فراوان است و تأثیراتش بر سرنوشت این ملت، بلند مدّت است. چون به هرحال، هر نوع لباس، هرگونه رفتار، هر شکل نشستن بر سفره، هرگونه سخن گفتنِ دو نفر در مواجهه با همدیگر و مسائلی از این قبیل، تأثیراتی انکار ناشدنی در شکل گیری شخصیت افراد یک جامعه دارد. لکن نه در کوتاه‌مدّت؛ در بلندمدّت.
- بخش دوم از فرهنگ عمومی، آن است که مانند بخش اوّل در سرنوشت یک ملت تأثیر دارد؛ اما تأثیراتش فوری و بسیار محسوس است. یعنی خودِ امورِ مربوط به این بخش از فرهنگ عمومی، چندان محسوس نیست؛ لکن تأثیراتش در جامعه و سرنوشت و مسیر آن، بسیار محسوس است. از جمله این امور و درواقع عمده‌ترینِ آنها، اخلاقیّات است؛ اخلاق فردی و اجتماعیِ مردمِ یک جامعه. فرض بفرمایید افراد یک جامعه، وقت‌شناس نباشند. خوب؛ وقتی که شما وارد آن جامعه می‌شوید، این وقت ناشناسی آنان را، از طریقِ تأثیرات منفی‌اش در سرنوشت خودتان و مردم درمی‌یابید؛ درحالی که خودِ آن، چندان واضح نیست.



- وجدانِ کاری و وقت‌شناسی در یک جامعه، بسیار مهمّ است. مثلاً وقتی ساعت هشت با کسی قرار گذاشتیم، این‌که هشت‌وده دقیقه یا هشت‌ونیم و یا پیش از ظهر برویم، با این‌که سرِ ساعتِ هشت آن‌جا حاضر شویم، یکی و تأثیرش یکسان است؟ وجدانِ کاری هم، جزئی از فرهنگ عمومی است که بسیار پسندیده است. وجدانِ کاری، یعنی افراد یک جامعه، خود را در قبالِ آن کاری که پذیرفته‌اند متعهّد بدانند و نوعی احساس وجدان نسبت به آن داشته باشند و سرِهم‌بندی و رفع تکلیف نکنند و آن کار را به صورت کامل انجام دهند. اینها از جمله خُلقیّات یک ملت است که تأثیرش در زندگی و سرنوشت آنها خیلی زیاد است.
- از جمله مصادیقِ دیگرِ فرهنگ عمومی، این است که افراد یک ملت، مردمی باشند که خیلی عافیت‌طلب و به دنبال منافع شخصی خود نباشند؛ بلکه واقعاً حاضر باشند برای ملت و کشورشان وارد میدان شوند و خطرپذیری کنند. یعنی حسّ منفعت‌جوییِ گروهی و جمعی یک ملت، باید بیش از حسّ منفعت‌طلبیِ فردیِ آنان باشد.
- از جمله نمونه‌های دیگر فرهنگ عمومی که به اخلاق شخصی و اجتماعی مربوط است، این‌که : افراد جامعه صبور باشند، مهمان‌دوست باشند، عادتشان این باشد که به بزرگترها و پدر و مادر خود احترام کنند. از این‌رو، این گونه مسائل بسیار مهمّ است و می‌تواند سرنوشت یک ملت را تغییر دهد.

فرهنگ عمومی؛ تجلی ایمان و اخلاق، پیشران همبستگی اجتماعی و تعالی تمدنی

یادداشت مدیر مسئول



فرهنگ عمومی، آیینه هویت یک ملت، جلوه‌گاه فضیلت‌های انسانی و تجلی باورها، ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که به حیات اجتماعی معنا و جهت می‌بخشد. فرهنگ، حقیقتی جاری در متن زندگی مردم است که در اندیشه و رفتار، در مناسبات فردی و اجتماعی، در شیوه مواجهه با مسائل و در نوع نگاه به آینده ظهور می‌یابد. هر جامعه‌ای به میزان برخورداری از فرهنگ غنی، اخلاق متعالی، سرمایه اجتماعی و روحیه همبستگی، از توان بیشتری برای پیمودن مسیر پیشرفت و دستیابی به قله‌های عزت و سربلندی برخوردار خواهد بود.

از این منظر، روز فرهنگ عمومی فرصتی ارزشمند برای بازشناسی ظرفیت‌های عظیم فرهنگی جامعه اسلامی، تأمل در جایگاه فضیلت‌های اخلاقی و تجدید عهد با مسئولیت مشترکی است که در قبال اعتلای فرهنگی کشور بر عهده داریم. این مناسبت، یادآور حقیقتی بنیادین است که تعالی جامعه، پیش از آنکه در جلوه‌های مادی توسعه آشکار شود، در شکوفایی فضیلت‌های انسانی، استحکام پیوندهای اجتماعی، گسترش اعتماد و مسئولیت‌پذیری و عمق‌بخشی به باورهای معنوی جلوه‌گر می‌شود.

در منظومه اندیشه اسلامی، فرهنگ و تربیت اجتماعی از جایگاهی رفیع برخوردار است؛ زیرا اسلام، انسان را موجودی مسئول، صاحب کرامت، برخوردار از قدرت انتخاب و دارای رسالتی فراتر از زندگی فردی می‌داند. قرآن کریم در ترسیم افق حیات اجتماعی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» (نحل: ۹۰)؛ خداوند به عدالت، نیکوکاری و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد. در این بیان نورانی، سه بنیان اساسی فرهنگ متعالی، یعنی عدالت، احسان و مسئولیت نسبت به دیگران، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. عدالت، روابط اجتماعی را بر مدار حق و انصاف سامان می‌دهد؛ احسان، مناسبات انسانی را از مرز تکلیف فراتر می‌برد و به مرتبه مهرورزی و ایثار می‌رساند؛ و توجه به نزدیکان، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را استحکام می‌بخشد. جامعه‌ای که این سه اصل را در ساختارهای اجتماعی و رفتار روزمره خویش نهادینه سازد، از بنیانی استوار برای آرامش، همبستگی و پیشرفت برخوردار خواهد شد. ازاین‌رو، فرهنگ عمومی در نگاه اسلامی، صرفاً مجموعه‌ای از آداب اجتماعی نیست، بلکه بستری برای تحقق حیات طیبه و شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی انسان به شمار می‌رود.

رسالت بزرگ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در پیوندی عمیق با تعالی اخلاق و فرهنگ انسانی تعریف شده است. آن حضرت فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ همانا برانگیخته شدم تا فضیلت‌های اخلاقی را به کمال رسانم. این سخن گران‌سنگ، نشان‌دهنده جایگاه محوری اخلاق در بنای تمدن اسلامی است. جامعه نبوی بر پایه ایمان، کرامت، برادری، صداقت، امانت‌داری، عدالت و مهرورزی شکل گرفت و توانست از مردمانی با پیشینه‌های گوناگون، امتی برخوردار از هویت مشترک و آرمان‌های بلند پدید آورد.

در چنین نگرشی، اخلاق نه امری حاشیه‌ای و تشریفاتی، بلکه روح حاکم بر همه شئون زندگی است. راست‌گویی در گفتار، انصاف در داوری، امانت‌داری در مسئولیت، خوش‌رفتاری در خانواده، احترام در روابط اجتماعی و رعایت حقوق مردم، همگی جلوه‌هایی از دینداری اصیل و فرهنگ اسلامی‌اند. هر اندازه این فضیلت‌ها در زندگی فردی و جمعی حضور پررنگ‌تری یابند، جامعه به حقیقت فرهنگ دینی نزدیک‌تر خواهد شد. یکی از برجسته‌ترین سرمایه‌های فرهنگی جامعه ایرانی، پیوند دیرپای ایمان اسلامی با میراث غنی تمدنی ایران است. فرهنگ ایرانی ـ اسلامی در طول تاریخ، پرورش‌دهنده اندیشمندان، عالمان، شاعران، حکیمان و شخصیت‌های بزرگی بوده است که هر یک در گسترش دانش، اخلاق، معنویت و فضیلت‌های انسانی سهمی ماندگار داشته‌اند. این میراث ارزشمند، گنجینه‌ای زنده و الهام‌بخش برای پاسخ‌گویی به نیازهای امروز و ساختن آینده است. احترام به خانواده، تکریم بزرگ‌ترها، مهمان‌نوازی، جوانمردی، همیاری، خیرخواهی، علم‌دوستی و پاسداشت حرمت انسان‌ها، از جلوه‌های درخشان این هویت فرهنگی به شمار می‌روند. در ادبیات حکمی و اخلاقی ایران نیز همواره بر پیوند دانش و فضیلت، قدرت و عدالت و زندگی فردی و مسئولیت اجتماعی تأکید شده است. سعدی شیرازی با بیان جاودانه «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند»، حقیقتی را یادآور می‌شود که با روح تعالیم اسلامی هماهنگ است؛ اینکه سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر پیوند خورده و سعادت فردی، از خیر و صلاح جمعی جدا نیست. پاسداشت چنین میراثی، زمانی به کمال می‌رسد که این ارزش‌های والا در زندگی امروز بازآفرینی شوند و در رفتار اجتماعی، شیوه مدیریت، روابط خانوادگی و مناسبات عمومی جلوه‌ای روشن و ملموس پیدا کنند.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی، تقویت روحیه همبستگی، اخوت و احساس تعلق به سرنوشت مشترک است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادران خود صلح و آشتی برقرار کنید. این آیه شریفه، افقی فراتر از همزیستی معمول اجتماعی ترسیم می‌کند و جامعه ایمانی را به مرتبه‌ای از پیوند معنوی و مسئولیت متقابل فرا می‌خواند. برادری دینی و همبستگی ملی، در عمل با خیرخواهی، رعایت حرمت یکدیگر، گذشت، همکاری و مشارکت در حل مسائل عمومی تحقق می‌یابد. جامعه‌ای که اعضای آن موفقیت یکدیگر را مایه خرسندی بدانند، در دشواری‌ها یاریگر هم باشند و منافع عمومی را بخشی از مسئولیت خویش تلقی کنند، از سرمایه‌ای برخوردار خواهد بود که بسیاری از چالش‌ها را به فرصت رشد و بالندگی تبدیل می‌کند. در شرایط کنونی نیز تقویت این روحیه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش نشاط اجتماعی، گسترش مشارکت مردمی و تحکیم وحدت و انسجام ملی باشد. تنوع دیدگاه‌ها، سلیقه‌ها و تجربه‌های اجتماعی نیز در پرتو چنین فرهنگی، فرصتی برای تکامل فهم جمعی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گوناگون جامعه خواهد بود.

در کنار همبستگی، اعتماد اجتماعی یکی از ارزشمندترین ثمرات فرهنگ متعالی است. اعتماد، حاصل صداقت در گفتار، درستی در رفتار، وفای به عهد و پایبندی به حقوق متقابل است. قرآن کریم در وصف مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸)؛ آنان که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. امانت‌داری در این نگاه، مفهومی گسترده دارد و از حفظ اموال و اسرار مردم تا پاسداری از مسئولیت‌های اجتماعی، فرصت‌های عمومی و اعتماد شهروندان را در بر می‌گیرد.

هر مسئولیت، امانتی است و هر موقعیت اجتماعی، فرصتی برای خدمت به بندگان خدا و گره‌گشایی از زندگی مردم. هنگامی که فرهنگ امانت‌داری و وفای به عهد در سطوح مختلف جامعه گسترش یابد، روابط اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار می‌شود، همکاری‌های جمعی آسان‌تر شکل می‌گیرد و سرمایه اعتماد عمومی تقویت می‌شود. از این منظر، خوش‌قولی، وقت‌شناسی، پاسخ‌گویی، رعایت انصاف و مسئولیت‌پذیری، صرفاً رفتارهایی پسندیده نیستند، بلکه جلوه‌های عملی ایمان و از ارکان اساسی فرهنگ عمومی به شمار می‌روند. یکی دیگر از افق‌های مهم تعالی فرهنگ عمومی، گسترش فرهنگ گفت‌وگو، مدارا، احترام متقابل و بهره‌گیری از خرد جمعی است. قرآن کریم در توصیف بندگان شایسته خداوند می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ پس بندگان مرا بشارت ده؛ آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. این آموزه نورانی، شنیدن آگاهانه، سنجش عقلانی و انتخاب بهترین سخن را از ویژگی‌های صاحبان خرد معرفی می‌کند. بر همین اساس، فرهنگ اسلامی ظرفیت گسترده‌ای برای گفت‌وگوی سازنده، تضارب آرا و استفاده از اندیشه‌های متنوع دارد. در جامعه امروز، که گسترش ارتباطات و تنوع تجربه‌های اجتماعی زمینه ظهور دیدگاه‌های گوناگون را فراهم ساخته است، ترویج فرهنگ شنیدن، احترام به شخصیت انسان‌ها و گفت‌وگوی عالمانه، ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود. خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه و نهادهای فرهنگی می‌توانند با تقویت این فضیلت، زمینه شکل‌گیری جامعه‌ای خردورز، صبور و برخوردار از قدرت تفاهم را فراهم آورند. گفت‌وگوی سازنده، نه‌تنها به تعمیق شناخت متقابل کمک می‌کند، بلکه احساس مشارکت، تعلق و مسئولیت مشترک را نیز افزایش می‌دهد.

در این میان، توجه به نسل جوان و نوجوان، از مهم‌ترین اولویت‌های فرهنگی کشور است. جوانان، سرمایه‌های انسانی و فرهنگی جامعه و حاملان اندیشه‌ها، خلاقیت‌ها و توانمندی‌هایی هستند که آینده ایران اسلامی را رقم خواهند زد. بهره‌گیری از ظرفیت این نسل، نیازمند رویکردی امیدآفرین، حکیمانه، اعتمادمحور و مبتنی بر گفت‌وگو است. در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام، جوانان از جایگاهی ارزشمند برخوردار بوده‌اند و مسئولیت‌های مهمی به آنان سپرده شده است. این رویکرد، بیانگر آن است که تربیت فرهنگی، با اعتماد به استعدادها، تقویت خودباوری و فراهم‌ساختن زمینه رشد و مسئولیت‌پذیری پیوندی عمیق دارد. امروز نیز می‌توان با تکیه بر ظرفیت علمی، هنری، فناورانه و اجتماعی جوانان، زمینه مشارکت فعال آنان را در تولید و گسترش فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی فراهم ساخت. جوانی که هویت تاریخی و دینی خود را بشناسد، از قدرت اندیشیدن و انتخاب آگاهانه برخوردار باشد و نقش خویش را در پیشرفت جامعه مؤثر بداند، می‌تواند به یکی از پویاترین کنشگران عرصه فرهنگ عمومی تبدیل شود. در این مسیر، انتقال ارزش‌ها زمانی عمیق‌تر و ماندگارتر خواهد بود که با محبت، اعتماد، رفتار الگووار و پاسخ‌گویی حکیمانه به پرسش‌های نسل جدید همراه شود. خانواده نیز به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد تربیتی، جایگاهی بی‌بدیل در شکل‌گیری فرهنگ عمومی دارد. بسیاری از فضیلت‌های اجتماعی، پیش از آنکه در کتاب‌ها و برنامه‌های آموزشی آموخته شوند، در محیط خانواده تجربه می‌شوند. فرزندی که احترام، صداقت، مهربانی، نظم، مسئولیت‌پذیری و گذشت را در رفتار پدر و مادر مشاهده می‌کند، این ارزش‌ها را به‌عنوان بخشی از شخصیت خویش درونی می‌سازد.

قرآن کریم در توصیف پیوند خانوادگی می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و میان شما دوستی و رحمت قرار داد. مودت و رحمت، دو رکن اساسی خانواده متعالی‌اند و می‌توانند به الگویی برای تنظیم مناسبات گسترده‌تر اجتماعی تبدیل شوند. تقویت فرهنگ تکریم والدین، احترام متقابل همسران، توجه به تربیت فرزندان، پاسداشت پیوندهای خویشاوندی و حمایت از خانواده، از مهم‌ترین زمینه‌های تحکیم بنیان فرهنگی جامعه است. هر اندازه خانواده از آرامش، محبت و آگاهی بیشتری برخوردار باشد، جامعه نیز از پشتوانه‌ای نیرومندتر برای گسترش فضیلت‌های اخلاقی بهره‌مند خواهد شد. در عصر حاضر، فضای مجازی و رسانه‌های نوین نیز به یکی از عرصه‌های اصلی شکل‌گیری و انتقال فرهنگ تبدیل شده‌اند. این تحول بزرگ، فرصت‌های ارزشمندی برای گسترش دانش، تعمیق آگاهی، معرفی میراث فرهنگی، ترویج سبک زندگی سالم و تقویت ارتباطات اجتماعی فراهم کرده است. بهره‌گیری هوشمندانه از این ظرفیت، می‌تواند افق‌های تازه‌ای در برابر فعالیت‌های فرهنگی بگشاید. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)؛ با مردم به نیکی سخن بگویید. این فرمان الهی، در روزگار ما می‌تواند مبنایی روشن برای اخلاق ارتباطات و رفتار مسئولانه در محیط‌های رسانه‌ای باشد. سخن نیکو، اطلاع‌رسانی درست، پرهیز از شتاب‌زدگی در داوری، احترام به آبروی انسان‌ها، انتشار محتوای سودمند و ترویج امید و آگاهی، از جلوه‌های فرهنگ متعالی در فضای دیجیتال است. همچنین توسعه سواد رسانه‌ای و تقویت قدرت تحلیل و تشخیص، زمینه بهره‌مندی بیشتر جامعه از فرصت‌های فناوری را فراهم می‌آورد.

رسانه‌ها و فعالان فرهنگی می‌توانند با تولید محتوای فاخر، جذاب، مستند و متناسب با زبان و نیازهای نسل امروز، در معرفی الگوهای شایسته و گسترش فضیلت‌های اجتماعی نقشی ماندگار ایفا کنند. فرهنگ کار، تلاش، علم‌آموزی و مسئولیت‌پذیری نیز از ارکان اساسی پیشرفت جامعه به شمار می‌رود. در منطق قرآن کریم، تلاش آگاهانه و سازنده، جایگاهی ممتاز دارد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. این آموزه، انسان را به کوشش، پویایی و بهره‌گیری مسئولانه از فرصت‌های زندگی فرا می‌خواند. جامعه‌ای که در آن کار با وجدان، دانش با تعهد، مهارت با خلاقیت و مسئولیت با امانت‌داری همراه باشد، از ظرفیت بالایی برای تحقق پیشرفت پایدار برخوردار خواهد بود. ترویج فرهنگ کار شایسته، حمایت از تولید و نوآوری، تکریم معلمان و استادان، پاسداشت منزلت کارگران و تلاشگران و گسترش روحیه خدمت‌رسانی، از جلوه‌های عملی فرهنگ عمومی در مسیر تعالی کشور است. در این میان، توجه به کیفیت انجام وظایف و احترام به حقوق مردم، به‌ویژه در نظام اداری و خدمات عمومی، اهمیتی مضاعف دارد؛ زیرا هر برخورد محترمانه، هر خدمت صادقانه و هر اقدام مسئولانه، می‌تواند به تقویت اعتماد، رضایت و سرمایه اجتماعی بینجامد. از دیگر عرصه‌های مهم فرهنگ عمومی، ترویج روحیه احسان، مواسات و مشارکت در امور خیر است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲)؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری یکدیگر را یاری کنید. این فرمان الهی، مبنایی روشن برای مشارکت اجتماعی و مسئولیت همگانی در گسترش خیر عمومی است. جامعه ایرانی در طول تاریخ، جلوه‌های درخشانی از نوع‌دوستی، وقف، انفاق، مهمان‌نوازی، یاری‌رسانی و مشارکت داوطلبانه را به نمایش گذاشته است.

این سرمایه ارزشمند می‌تواند در شرایط امروز نیز زمینه‌ساز تقویت پیوندهای اجتماعی، حمایت از خانواده‌های نیازمند، گسترش فعالیت‌های عام‌المنفعه و افزایش احساس همدلی و تعلق اجتماعی باشد. فرهنگ احسان، تنها به کمک مالی محدود نمی‌شود؛ آموزش دانشی سودمند، گره‌گشایی از کار دیگران، حفظ آبروی نیازمندان، حمایت از استعدادهای جوان، مراقبت از محیط زیست و حتی برخوردی همراه با احترام و مهربانی، همگی مصادیقی از نیکوکاری اجتماعی‌اند. در حقیقت، هر شهروند می‌تواند متناسب با توانایی و موقعیت خویش، سهمی در گسترش خیر و زیبایی در جامعه داشته باشد.

از این منظر، ارتقای فرهنگ عمومی، مسئولیتی مشترک و رسالتی ملی است که تحقق آن به هم‌افزایی همه نهادها و ظرفیت‌های اجتماعی نیاز دارد. نهادهای فرهنگی، آموزشی، دینی و رسانه‌ای، در کنار خانواده‌ها، تشکل‌های مردمی، دانشگاهیان، هنرمندان و فرهیختگان، می‌توانند با بهره‌گیری از دانش روز و معارف غنی اسلامی، زمینه گسترش فرهنگ اخلاق‌مدار و امیدآفرین را فراهم سازند. در این مسیر، توجه به اقتضائات زمان، شناخت نیازهای واقعی جامعه، بهره‌گیری از شیوه‌های خلاقانه و مشارکت دادن مردم در طراحی و اجرای برنامه‌ها، از اهمیت فراوانی برخوردار است. فرهنگ عمومی زمانی به شکوفایی می‌رسد که ارزش‌های متعالی، از سطح مفاهیم نظری به رفتارهای پایدار و تجربه‌های روزمره تبدیل شوند. هر مدرسه می‌تواند کانونی برای تربیت شهروندان مسئول، هر مسجد پایگاهی برای تقویت معنویت و همبستگی، هر دانشگاه مرکزی برای پیوند علم و اخلاق، هر رسانه بستری برای ترویج حقیقت و امید و هر نهاد اجرایی الگویی برای خدمت صادقانه و تکریم مردم باشد.

در این میان، امید اجتماعی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا امید، نیروی محرک تلاش، خلاقیت و پایداری در مسیر پیشرفت است. قرآن کریم با بیانی سرشار از بشارت می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۵ و ۶)؛ پس به‌راستی با دشواری، آسانی است؛ آری، با دشواری، آسانی است. این وعده الهی، افقی روشن از پایداری، حرکت و اعتماد به گشایش‌های آینده پیش روی انسان قرار می‌دهد. امید در فرهنگ اسلامی، با تلاش، تدبیر، توکل و مسئولیت‌پذیری پیوند دارد و انسان را به حرکت آگاهانه در مسیر اصلاح و آبادانی فرا می‌خواند. جامعه امروز ایران نیز با برخورداری از سرمایه عظیم ایمان، دانش، تجربه تاریخی، استعدادهای جوان و ظرفیت‌های گسترده مردمی، توان آن را دارد که افق‌های تازه‌ای از پیشرفت و شکوفایی را رقم بزند. تقویت امید اجتماعی، مستلزم معرفی الگوهای موفق، برجسته‌سازی ظرفیت‌های واقعی کشور، گسترش فرصت‌های مشارکت و فراهم‌کردن زمینه بروز استعدادهاست. هر اقدام مؤثر در جهت خدمت به مردم، هر موفقیت علمی و فرهنگی و هر تجربه ارزشمند از همدلی و همکاری، می‌تواند چراغی از امید در افق جامعه روشن سازد. روز فرهنگ عمومی، فرصتی است تا بار دیگر به این حقیقت توجه کنیم که فرهنگ متعالی، زیربنای جامعه متعالی و از مهم‌ترین پشتوانه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی است. تمدن‌سازی، پیش از آنکه به گسترش امکانات و زیرساخت‌ها وابسته باشد، نیازمند انسان‌هایی آگاه، مؤمن، خردورز، اخلاق‌مدار، امیدوار و مسئولیت‌پذیر است. تمدن اسلامی در افق بلند خود، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن علم و ایمان، عدالت و احسان، پیشرفت و معنویت، آزادی مسئولانه و تعهد اجتماعی در پیوندی متوازن قرار می‌گیرند.

چنین جامعه‌ای، با تکیه بر هویت اصیل خویش و بهره‌گیری از دستاوردهای دانش و تجربه بشری، می‌تواند الگویی الهام‌بخش از زیست اخلاقی، پیشرفت انسانی و همبستگی اجتماعی ارائه دهد.

در نهایت، فرهنگ عمومی را باید عرصه تجلی ایمان در رفتار، اخلاق در مناسبات، خرد در تصمیم‌گیری و مسئولیت در زندگی جمعی دانست. آینده فرهنگی جامعه، در گرو اهتمام همگانی به فضیلت‌هایی است که ریشه در فطرت انسانی، معارف وحیانی و میراث گران‌سنگ ایرانی ـ اسلامی دارند. اگر صداقت و امانت‌داری را در روابط اجتماعی گسترش دهیم، اگر تکریم انسان‌ها را به اصلی پایدار در مناسبات عمومی تبدیل کنیم، اگر خانواده را کانون محبت و تربیت، مدرسه را بستر رشد فضیلت، دانشگاه را جایگاه تعالی اندیشه و جامعه را میدان همدلی و خدمت بدانیم، گام‌هایی استوار در مسیر اعتلای فرهنگ عمومی برداشته‌ایم.

قرآن کریم، افق این تحول را در آیه‌ای ژرف و راهگشا چنین ترسیم می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. این آیه شریفه، یادآور نقش بنیادین اراده، آگاهی و مسئولیت انسان‌ها در تحولات اجتماعی است. اعتلای فرهنگ عمومی نیز از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از اصلاح و تعالی خویشتن، از گسترش فضیلت در خانواده، از ترویج اخلاق در محیط کار و از احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه.

بی‌تردید، فرهنگ عمومی آنگاه به شکوفایی حقیقی می‌رسد که ایمان به سرچشمه اخلاق، اخلاق به مبنای رفتار، رفتار نیکو به عامل اعتماد و اعتماد به پشتوانه همبستگی و پیشرفت تبدیل شود.

در پرتو چنین فرهنگی است که جامعه، ضمن پاسداشت اصالت‌های دینی و ملی خویش، با نشاط، خودباوری و امید به سوی آینده گام برمی‌دارد و زمینه تحقق زندگی عزتمندانه، جامعه‌ای برخوردار از فضیلت و تمدنی ریشه‌دار در معنویت و انسانیت را فراهم می‌سازد.

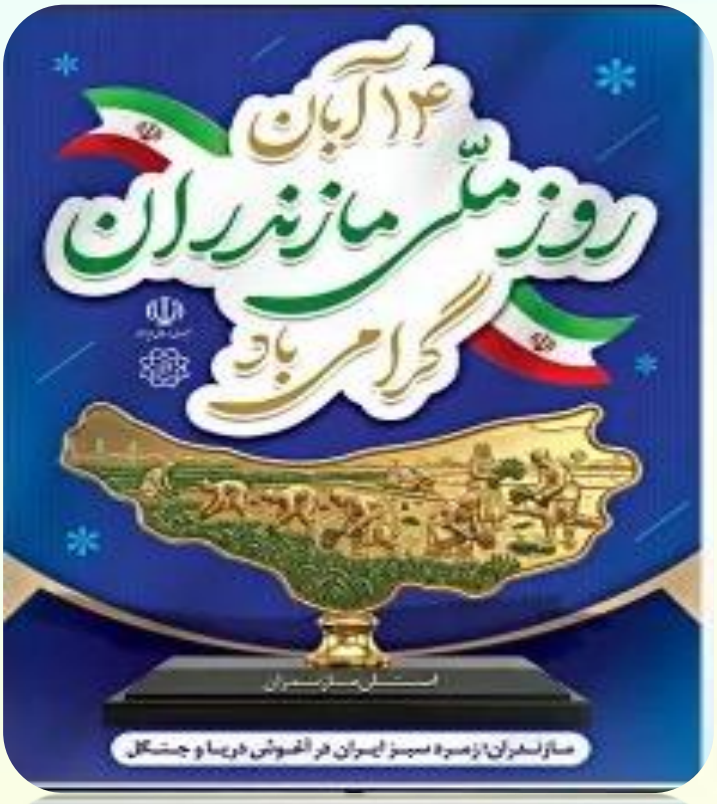
روز فرهنگ عمومی، روز پاسداشت همین حقیقت بزرگ است که فرهنگ، جانِ پیشرفت، اخلاق، زیربنای همبستگی و ایمان و امید، چراغ راه تعالی جامعه است. باشد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و سیره پیامبر رحمت و اهل‌بیت علیهم‌السلام، و با تکیه بر میراث گران‌بهای ایرانی ـ اسلامی، در مسیر ساختن جامعه‌ای مهربان‌تر، خردمندتر، مسئولیت‌پذیرتر و امیدوارتر گام برداریم؛ جامعه‌ای که در آن کرامت انسان پاس داشته شود، فضیلت‌های اخلاقی شکوفا گردد و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی در همه عرصه‌های زندگی جلوه‌ای روشن و الهام‌بخش داشته باشد.



مازندران : از افق سبز هیرکانی تا سپیده‌دم تشیع علوی

روایتی از سرزمین ایمان، آزادگی و دانایی به مناسبت ۱۴ آبان روز مازندران

دکتر مرتضی هاشم پور



در جغرافیای ایران، برخی سرزمین‌ها را باید نه فقط با مرزهای طبیعی و مختصات جغرافیایی، بلکه با حافظه تاریخی، میراث معنوی و سهمی که در تکوین هویت یک ملت داشته‌اند شناخت. مازندران از همین سرزمین‌هاست دیاری که در آن، کوهستان به دریا می‌رسد، جنگل به افسانه پیوند می‌خورد، تاریخ در حافظه مردم زنده می‌ماند و ایمان، در گذر قرن‌ها، به یکی از عناصر بنیادین هویت اجتماعی بدل می‌شود.

مازندران را نمی‌توان صرفاً به طبیعت چشم‌نواز، جنگل‌های کهن هیرکانی، شالیزارهای گسترده و کرانه‌های خزر فروکاست.

این سرزمین، در لایه‌های عمیق‌تر وجود تاریخی خود، یکی از کانون‌های مهم شکل گیری و گسترش تشیع در ایران و از پایگاه‌های دیرپای اندیشه علوی در جهان اسلام است.

روز مازندران، از این منظر، فرصتی برای بازخوانی یک اقلیم و در حقیقت، بازشناسی یک میراث تمدنی است میراثی که در آن طبیعت، تاریخ، فرهنگ و معنویت، چهار ضلع یک هویت ماندگار را تشکیل می دهد مازندران امروز، وارث سرزمینی است که در متون تاریخی با نام طبرستان شناخته می‌شد سرزمینی که موقعیت طبیعی منحصربه‌فرد آن، میان رشته‌کوه البرز و دریای خزر به شکل گیری نوعی استقلال‌خواهی، هویت‌مداری و مقاومت در برابر سلطه بیگانگان یاری رسانده است. طبرستان از نخستین مناطقی بود که اسلام در آن، نه از مسیر تسلیم ساده در برابر قدرت‌های سیاسی، بلکه در بستری پیچیده از تعاملات اجتماعی، مقاومت‌های محلی و مواجهه‌های فکری و اعتقادی گسترش یافت.

ساختار کوهستانی و جنگلی این منطقه، همراه با استقلال‌طلبی مردمانش، زمینه‌ای فراهم آورد که اندیشه‌های دینی و سیاسی متفاوت بتوانند در آن مجال بروز و تداوم پیدا کنند.

نقطه عطف این تاریخ را باید در سال ۲۵۰ هجری قمری، برابر با ۸٦٤ میلادی، جست‌وجو کرد زمانی که حسن بن زید علوی، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)، با حمایت گروه‌هایی از مردم طبرستان و دیلم، حکومت علویان طبرستان را بنیان نهاد. این رویداد، صرفاً تأسیس یک حکومت محلی نبود؛ بلکه نشان‌دهنده ورود اندیشه علوی به عرصه‌ای از حیات سیاسی و اجتماعی ایران بود که بعدها در تحولات مذهبی و فرهنگی این سرزمین تأثیری عمیق برجای گذاشت. اهمیت این واقعه در آن است که طبرستان به یکی از نخستین کانون‌های استقرار حکومت علوی و گسترش تشیع زیدی در جهان اسلام تبدیل شد. در سده‌های بعد نیز، با ظهور جریان‌های دیگر شیعی و به‌ویژه گسترش تشیع امامی، این منطقه جایگاه برجسته خود را در تاریخ تشیع ایران حفظ کرد.

از این رو تعبیر «مهد تشیع علوی» درباره مازندران، صرفاً یک توصیف عاطفی یا افتخارآمیز نیست پشتوانه‌ای تاریخی دارد که در آن، محبت اهل‌بیت (ع)، اندیشه عدالت‌خواهی، مقاومت در برابر ستم و پیوند دین با مسئولیت اجتماعی، به یک سنت فرهنگی و تاریخی تبدیل شده است. یکی از وجوه برجسته تاریخ مازندران، پیوند عمیق میان دینداری و آزادگی است در این سرزمین، تشیع تنها مجموعه‌ای از مناسک و آیین‌های مذهبی نبوده، بلکه در حافظه تاریخی مردم با مفاهیمی چون عدالت، کرامت انسانی، دفاع از مظلوم و ایستادگی در برابر بیداد پیوند خورده است.

این پیوند را می‌توان در میراث علویان طبرستان، در نقش خاندان‌های سادات و عالمان دینی، در سنت‌های مذهبی مردم و در استمرار آیین‌های مرتبط با اهل‌بیت پیامبر اکرم (ص) مشاهده کرد.

در سده هشتم هجری نیز، با ظهور جنبش و حکومت مرعشیان به رهبری سید قوام‌الدین مرعشی در مازندران، فصل مهم دیگری از تاریخ تشیع این منطقه رقم خورد. این خاندان که بر پایه تشیع امامی فعالیت می‌کرد، در تقویت ساختارهای مذهبی و اجتماعی منطقه نقش داشت و میراث آن تا آستانه عصر صفوی ادامه یافت.

البته تاریخ تشیع مازندران، تاریخی یکدست و تک‌مرحله‌ای نیست از تشیع زیدی در دوره نخست علویان تا گسترش تشیع امامی در دوره‌های بعد، با تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی متعددی روبه‌رو بوده است. همین تنوع تاریخی، بر غنای هویت مذهبی این خطه می‌افزاید و آن را به موضوعی ارزشمند برای پژوهش‌های تاریخ اسلام و ایران تبدیل می‌کند.

مازندران را می‌توان نمونه‌ای کم‌نظیر از هم‌نشینی تمدن انسانی و طبیعت زنده دانست. جنگل‌های هیرکانی، که از کهن‌ترین زیست‌بوم‌های جنگلی جهان به شمار می‌روند و در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌اند، تنها مجموعه‌ای از درختان و گونه‌های گیاهی نیستند؛ بلکه بخشی از حافظه طبیعی زمین‌اند.

از قله‌های البرز تا کرانه‌های دریای خزر، از چشمه‌های زلال تا رودخانه‌های جاری در دشت‌ها، طبیعت مازندران یادآور حقیقتی بنیادین است: تمدن پایدار بدون احترام به طبیعت امکان‌پذیر نیست.

در روزگاری که جهان با بحران تغییرات اقلیمی، تخریب منابع طبیعی، کاهش تنوع زیستی و چالش‌های توسعه ناپایدار روبه‌روست، مازندران می‌تواند فراتر از یک مقصد گردشگری، الگویی برای اندیشیدن به نسبت انسان، طبیعت و توسعه باشد.

در اینجا، حفاظت از جنگل، صیانت از منابع آب، پاسداشت خاک و حمایت از کشاورزی پایدار، صرفاً وظایفی اجرایی نیستند؛ بلکه بخشی از مسئولیت اخلاقی انسان در قبال میراثی‌اند که از نسل‌های پیشین به امانت گرفته و باید به نسل‌های آینده سپرده شود.

چه بسا بتوان گفت همان‌گونه که در سنت دینی، زمین امانتی الهی در اختیار انسان است، در منطق توسعه پایدار نیز طبیعت سرمایه‌ای بین‌نسلی است که هیچ نسلی حق ندارد آن را به بهای منافع کوتاه‌مدت خویش مستهلک کند.

هویت یک سرزمین زمانی زنده و پویاست که بتواند گذشته پرافتخار خود را به سرمایه‌ای برای ساختن آینده تبدیل کند. مازندران، با برخورداری از ظرفیت‌های انسانی، دانشگاهی، علمی، کشاورزی، صنعتی و گردشگری، می‌تواند نقشی فراتر از جایگاه سنتی خود در اقتصاد و فرهنگ ایران ایفا کند.

در جهان امروز، توسعه دیگر صرفاً با افزایش تولید یا گسترش زیرساخت‌های فیزیکی سنجیده نمی‌شود. معیارهای نوین پیشرفت، بر دانش‌بنیانی، بهره‌وری، حکمرانی هوشمند، تاب‌آوری اقتصادی، حفاظت محیط‌زیستی و نوآوری اجتماعی استوارند.

از این منظر، مازندران ظرفیت آن را دارد که به الگویی از توسعه متوازن منطقه‌ای تبدیل شود؛ الگویی که در آن، کشاورزی سنتی با فناوری‌های هوشمند پیوند بخورد، زنجیره ارزش محصولات راهبردی ارتقا یابد، صنایع تبدیلی توسعه پیدا کنند، گردشگری فرهنگی و طبیعت‌محور با ملاحظات زیست‌محیطی سامان یابد و سرمایه انسانی جوان و تحصیل‌کرده، موتور محرک تحول اقتصادی و اجتماعی باشد. در حقیقت، اگر گذشته مازندران با مقاومت، معنویت و هویت‌خواهی شناخته می‌شود، آینده آن باید با دانایی، نوآوری، مسئولیت‌پذیری و توسعه پایدار تعریف شود.

این همان گذار ضروری از افتخار به گذشته به آفرینش آینده است؛ گذار از میراث به مزیت و از هویت تاریخی به اقتدار علمی و فرهنگی.

برای مخاطبان فرهیخته ایتالیایی و به‌ویژه جامعه فرهنگی و دینی واتیکان، معرفی مازندران می‌تواند دریچه‌ای برای شناخت عمیق‌تر از تنوع و غنای تمدنی ایران باشد.

ایران و ایتالیا، هر یک به شیوه‌ای متفاوت، حامل میراثی بزرگ از تاریخ، هنر، اندیشه و معنویت‌اند. در یک سوی این گفت‌وگوی تمدنی، سرزمین‌های تاریخی ایران و در میان آن‌ها طبرستان و مازندران قرار دارند؛ در سوی دیگر، رم، شهر تاریخ، فلسفه، هنر و میراث مسیحیت.

آنچه این دو جهان فرهنگی را به گفت‌وگو فرامی‌خواند، صرفاً قدمت تاریخی یا شکوه آثار باستانی نیست بلکه ظرفیت مشترک آن‌ها برای تأمل درباره انسان، اخلاق، معنویت، عدالت و مسئولیت در قبال جهان است.

در این میان، مازندران می‌تواند از دریچه تاریخ علوی خود، روایتی از معنویت عدالت‌محور و کرامت انسانی عرضه کند؛ روایتی که برای گفت‌وگوی میان‌فرهنگی و بین‌دینی نیز واجد اهمیت است. از منظر گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، تأکید بر کرامت انسان، عدالت، صلح، همبستگی اجتماعی و پاسداری از آفرینش، زمینه‌های ارزشمندی برای تفاهم و همکاری فراهم می‌آورد. این مفاهیم در میراث دینی و اخلاقی هر دو سنت، ظرفیت گفت‌وگویی عمیق دارند. شاید بتوان گفت مازندران، با همه زیبایی‌های طبیعی و پیشینه تاریخی‌اش، پیامی فراتر از مرزهای جغرافیایی دارد: اینکه هویت دینی و فرهنگی، هنگامی به سرمایه‌ای جهانی تبدیل می‌شود که در خدمت صلح، همزیستی، عدالت و تعالی انسان قرار گیرد.

۱۴ آبان، روز مازندران، فرصتی است برای آنکه این سرزمین را نه فقط در قاب خاطرات و افتخارات تاریخی، بلکه در افق مسئولیت‌های امروز و آرمان‌های فردا بنگریم. مازندران، سرزمین کوه و دریا، جنگل و شالیزار، تاریخ و حماسه، علم و ایمان است؛ سرزمینی که در حافظه تاریخی ایران، جایگاه ویژه‌ای در گسترش اندیشه علوی و تشیع دارد و در حافظه طبیعی جهان، بخشی از میراث ارزشمند زیست‌کره زمین به شمار می‌رود.

گرامیداشت این روز، تنها تجلیل از یک جغرافیا نیست تجلیل از مردمی است که در طول تاریخ، هویت خود را در پیوند با ایمان، آزادگی، فرهنگ و طبیعت حفظ کرده‌اند.

امروز، رسالت ما آن است که این میراث را از سطح افتخار به عرصه عمل ارتقا دهیم؛ از تاریخ، الهام بگیریم؛ از ایمان، مسئولیت بیاموزیم؛ از دانش، ابزار پیشرفت بسازیم و از طبیعت، امانتی برای آیندگان پاسداری کنیم.

مازندران را باید هم‌زمان در سه افق دید: در گذشته، به‌مثابه یکی از خاستگاه‌های برجسته تشیع علوی در ایران؛ در حال، به‌مثابه بخشی زنده و اثرگذار از هویت فرهنگی و اجتماعی کشور؛ و در آینده، به‌مثابه سرزمینی مستعد برای توسعه دانش‌بنیان، پایدار و انسان‌محور. مازندران، تنها سرزمین سبز شمال ایران نیست؛ سرزمینی است که در آن، طبیعت به حافظه بدل شده، تاریخ به هویت پیوند خورده و ایمان، در کنار آزادگی، بخشی از روح جمعی یک ملت را ساخته است. به احترام این سرزمین دیرپا، به احترام مردمان نجیب و فرهنگ‌پرورش و به پاس میراث گران‌سنگ علوی آن، روز مازندران را گرامی می‌داریم؛ با این امید که شکوه گذشته‌اش، چراغ راه آینده‌ای سرشار از دانایی، معنویت، پیشرفت و سربلندی ایران باشد.

دیدار و نشست رئیس کلیسای سن مارکو رُم ایتالیا با سفیر محترم درمحل نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در واتیکان



آقای دُن رنسو جولیانو، رئیس کلیسا – بسیار خرسندم از اینکه مجدداً به دیدار جنابعالی آمدم قبلاً از کلیسای ما که دو شهید ایرانی نیز در آن مدفون می باشند دیدار داشتید و دعوت دارم که مجدداً از کلیسا بازدید نمایید، توریست های بسیاری هر روزه از آن دیدار دارند. من آمدم تا بگویم ضمن دیدار با جنابعالی تنفر جامعه مسیحیان را به تجاوز آمریکا و صهیونیستها به شما اعلام نمایم و ملت شما را در دفاع از کشور تحسین می کنم.

سفیر محترم – خوشحالم از اینکه تشریف آوردید. طی ماههای اولیه ماموریت ام افتخار داشتم از کلیسای شما و دو شهید ایرانی که در آنجا مدفون اند بازدید داشته باشم. ایندو شهید قدیس اعتقاد ایرانی ها در برابر ظالمان و نشانگر آن اند که ایرانیان در برابر ظلم و ستم و طاعوت سر سازش ندارند و اینجا آمدند و در این راه به شهادت رسیدند و از دین خود دفاع نمودند. این امر نمایانگر دفاع از دین است که محدود و محصور به منطقه جغرافیایی نیست. دین است که صلح را در جهان می تواند برقرار کند. مشتاقم تا از بحران در منطقه سخن بگویم.

همانگونه که میدانید ما در حال مذاکره در چندین نوبت با رژیم آمریکا بودیم که مورد حمله و تجاوز وحشیانه همین رژیم تروریست آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی قرار گرفتیم. دیپلماسی را زیر پا گذاردند، خیانت کردند و قواعد بین المللی را نادیده گرفته و تجاوز کردند و در طی آن رهبر عظیم الشان سید الشهدای انقلاب اسلامی امام خامنه ای (ره)، دانشمندان، فرماندهان عالی نظامی و مقامات ارشد نظام، شهروندان و ۱۶۸ دانش آموز خردسال و معلمان را هدفمند به شهادت رسانیدند. مناطق غیر نظامی، آموزشی، ورزشی و رفاهی، پژوهشی را هدف بمباران قرار دادند ولی ملت ما با صلابت و قدرت در مقابل دشمن مقاومت نمودند. مردم ما با وحدت و انسجام بین تمامی ادیان مسیحی، یهودی و مسلمان، همه از کشور دفاع کردند متجاوزین حتی ساختمان های تاریخی، عبادی، معنوی کلیسا ها، کنیسه ها، موزه ها و مساجد را تعمداً مورد هدف قرار دادند. اینها اعتقاد به دین ندارند. به ظاهر از دین صحبت می کنند ولی به دنبال منافع گروهی، جناحی و شخصی هستند.

از موضع گیری حق طلبانه پاپ لئون چهاردهم در برابر جنگ خانمان سوز بر علیه کشورمان، تشکر می کنم و ایشان ماموریت خود به عنوان رهرو عیسای مسیح و بر اساس آموزه های دینی انجام دادند که مورد قدردانی علمای دینی ما نیز قرار گرفت.

آقای دُن رنسو جولیانو، رئیس کلیسا – موضع گیری پاپ در خور توجه است. پارولین نخست وزیر واتیکان نیز در جهت مسیرهای دیپلماتیک در تلاش می باشد. جالب است بدانید که همین موضع گیری ایشان مورد هجمه و حمله برخی یهودیان قرار گرفت و در این رابطه یک خاخام اعظم اسرائیلی نامه سرگشاده ای برای پارولین نوشت و منتقد مواضع واتیکان علیه اسرائیل شد. معتقدم برای اجرای صلح باید به ادیان تاریخی رجوع نمود.

یک سری تصمیم گیری هایی در کاخ سفید انجام می گیرد ولی به طور دیگری عمل می کنند. برای چالش های دنیای امروز با توسل به دین باید تلاش داشته باشیم.

سفیر محترم – دعوت می کنم سفر به جمهوری اسلامی ایران داشته باشید. این سفارت همکار شما پروفسور کالیاری را جهت حضور و سخنرانی در کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) و دیدار از جمهوری اسلامی ایران فرستادیم که بسیار ثمر بخش بود. معتقدم هیئت های فیمابین ایران و واتیکان رفت و آمد و تبادل نظر کنند. دیدار عالمان دینی و نشست با یکدیگر می تواند در شناخت متقابل این دیالوگ بسیار مفید باشد.

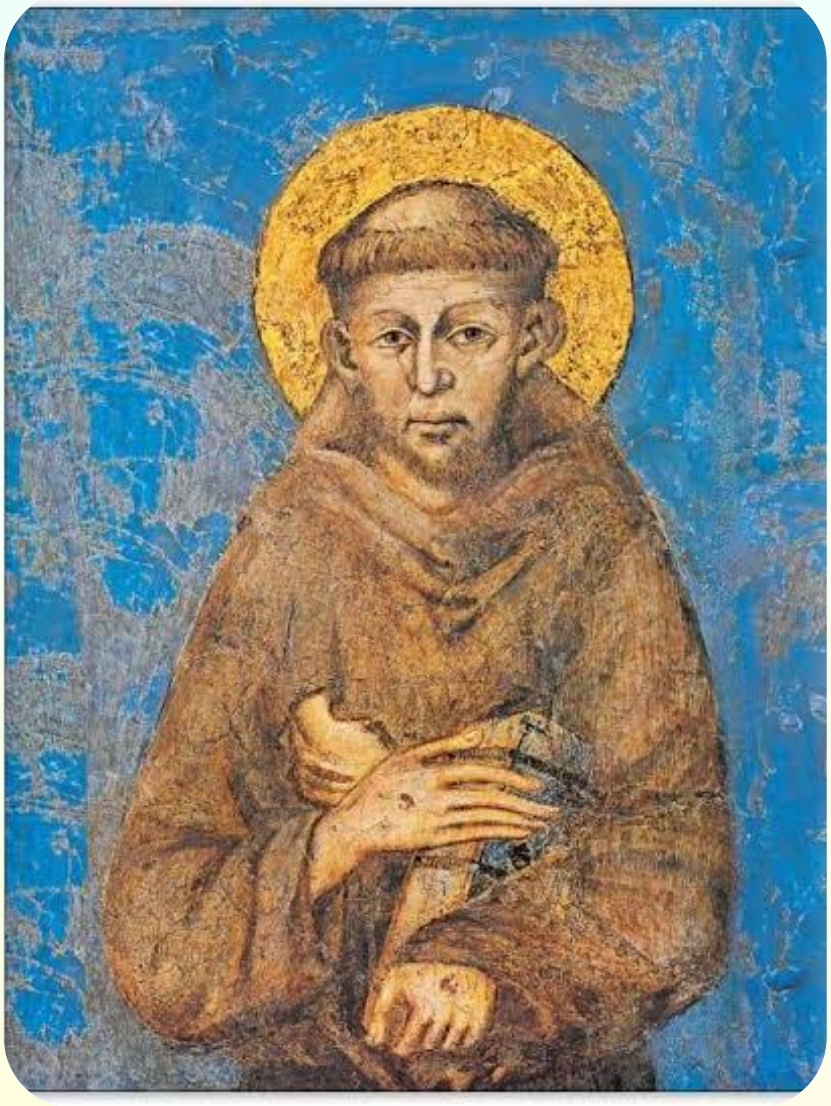
بسیاری از عالمان دینی و کشیشان و کاردینال ها، کشور ما را نمی شناسند و از حوزه های علمیه دینی و پژوهشی ما بی خبرند و باید رابطه را بسط دهیم.

در پایان نشست سفیر محترم، کتاب متعلق به امام شهید گزیده سخنان سید الشهدای انقلاب اسلامی امام خامنه ای (ره) در خصوص حضرت مسیح (ع) و حضرت مریم (س) و کتاب دیپلماسی دینی را به ایشان هدیه دادند که مورد توجه ایشان قرار گرفت.



فرانسیس دآسیسی، عارف قرن دوازدهم جهان مسیحیت

جوزپه آیلو ؛ پژوهشگر ایتالیایی



«سن فرانسیس دآسیسی یکی از نمادین‌ترین و تحول‌آفرین‌ترین چهره‌ها در تاریخ عرفان غربی است؛ رادمردی که در میانه‌ی سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی، سلوکی مبتنی بر زهد، تجرید درون و جمعیتِ خاطرِ روحانی را ترسیم نمود که طنین آن از مرزهای جهان مسیحیت فراتر رفته است.

قدیس فرانسیس، در شهر آسیسی و به تاریخ ۱۹ ماه اوت ۱۱۸۱۱۱ میلادی متولد شد. وی که در خاندانی از طبقه‌ی مرفه بازرگانان قدم به عرصه‌ی وجود نهاده بود و در آغاز، شیفته‌ی آرمان‌های عیاری، شوالیه گری و مادیِ روزگار خویش بود، در پی بحران‌های عمیقِ انفسی، بیماری‌ها و مکاشفات غیبی، دچار دگرگونی و تبدل ذاتیِ ژرفی گشت.

هسته‌ی بنیادین تجرّبه‌ی روحی او که در منابع تذکره‌نویسیِ هم‌روزگارش به تفصیل مستند شده، در گزینش رادیکالِ «فقرِ مطلق» نهفته است. در نگاه سن فرانسیس، انقطاع کامل از مافیها و زخارف دنیوی، صرفاً یک کناره‌گیری اجتماعی یا فقرگراییِ ایدئولوژیک نبود؛ بلکه طریقتی زاهدانه و ضروری برای تخلیه‌ی نفس از بارِ گرانِ تعلّقات و انانیّت به‌شمار می‌رفت. این فنای درون و تهی‌شدگیِ تام، شرطی بنیادین برای نیل به تسلیمِ محض در برابر مشیت الهی شد و مسکنت مادی او را به غنای اکبرِ روحانی و ابزاری برای آزادیِ مطلقِ باطنی بدل ساخت.

در شهودِ این عارفِ اهل آسیسی، دعا و مناجات به انجام فرایض و آدابِ ظاهری محدود نمی‌شد، بلکه به مقامی پایدار از شهود و استغراق عروج می‌کرد؛ تضرعی باطنی که در آن، صائم و مصلی به دنبال اتحاد کامل با عشقِ لایزال الهی بود. از این پیوندِ عمیقِ عرفانی، بینشی خدامحور و حکمت‌آمیز نسبت به طبیعت نشأت می‌گرفت: در چامه‌ی نامدارِ او، «سرود آفریدگان»، هر عنصری از عناصر کیهان — از خورشیدِ فروزان تا اختران، و از آبِ زلال تا آتشِ سوزان — از مرتبه‌ی یک شیء مادیِ محض فراتر رفته و به عنوان آیتی گویا از صانعِ ازلی شناخته می‌شود. این رویکرد که ماسوا را تجلی گاه و مظهرِ انوار الهی (خدانمایی) می‌دانست، او را بر آن می‌داشت تا پدیده‌های طبیعت و جانداران را با عناوین برادر و خواهر خطاب کند و بدین‌سان، احترامی ژرف را نسبت به نظام و هارمونیِ کیهانی که خواستِ باریِ‌تعالی است، هویدا سازد».

«در ساحت تاریخ و روابط انسانی، معنویت سن فرانسیس به مجاهدتی خستگی‌ناپذیر در راه صلح و عبور از منازعات ترجمه شد».

در سال **۱۲۱۹** میلادی، در بحبوحه‌ی وقایع تلخ و ناگوارِ پنجمین جنگ صلیبی، او عزم آن کرد تا از خطوط مقدم نبرد در دمیاطِ مصر گذر کند تا با سلطان ایوبی، الملک الکامل، به صورت حضوری دیدار نماید. منابع تاریخی آن روزگار، این واقعه را به عنوان گسستی عمیق در تقابل‌های نظامی و لحظه‌ای از استماع متقابل و مناظره‌ی کلامیِ مهرآمیز توصیف می‌کنند؛ مجالی که در آن، سن فرانسیس با سیمایی بی‌سلاح و در کسوت بنده‌ٔ ساده‌ی خدا، از پذیرش هدایای گران‌بهای سلطان امتناع ورزید و شهادتی را بر پایه‌ی حِلم، مدارا و کلامِ روحانی عرضه داشت. این ملاقاتِ تاریخ‌ساز، به همراه توصیه‌هایی که وی بعدها در قواعد سلوکیِ خود برای یارانش به یادگار گذاشت، آشکار می‌سازد که طریقِ عدم‌خشونت، خدمت به مستضعفان و رانده‌شدگان (همچون جذامیان) و چیره شدن بر اهواء و تمایلات نفسانی، در نگاه این «درویشِ آسیسیایی»، جهاد اکبرِ حقیقی و سلوک راستین برای تقرب به سرچشمه‌ی رحمتِ واسعه‌ی الهی بوده است.

سن فرانسیس در میان سال‌های **۱۲۱۹** و **۱۲۲۰** میلادی، بلافاصله پس از دیدار نامدارش با سلطان الملک الکامل در مصر، در ارض مقدس (احتمالاً در عکا) گام نهاد.

او به انگیزه عشقی وافر و روحانی، از اماکن متبرکه‌ی مرتبط با حیات حضرت عیسی (ع) زیارت کرد، اما سلوک او در این سفر، همچون زائری فروتن و مصلحی بی‌سلاح بود، بدون آنکه به ساخت بنایی دست یازد یا خانقاه و دیری را بنیان نهد. اندکی پیش از ورود او، در جریان مجمع عمومی طریقه در سال ۱۲۱۷ میلادی دردآسیسی، سن فرانسیس و هم‌سلوکانش رسماً تشکیلات خود را به ایالات مختلف تقسیم کرده بودند و دقیقاً «ایالت سرزمین یا ارض مقدس» را پایه‌گذاری نمودند؛ بدین ترتیب، سن فرانسیس نخستین گروه از راهبان را برای استقرار در آن دیار گسیل داشت.

بقاع متبرکه‌ای که امروزه راهبان سن فرانسیسکانی در بیت‌المقدس، بیت‌لحم و ناصره اداره می‌کنند (مانند مزار مقدس یا کلیسای مهد)، تنها در سده‌ی بعد رسماً به این طریقه واگذار شد. در سال ۱۳۳۳ میلادی، پادشاهان ناپولی، بارگاه عشاء ربانی (عُلّیه) را به صورت قانونی از سلطان مصر خریداری کرده و به راهبان بخشیدند و سرانجام در سال ۱۳۴۲ میلادی، پاپ کلمنت ششم رسماً نهاد «تولیت و پاسداری از سرزمین یا ارض مقدس» را بنیان نهاد. سن فرانسیس در ٤ اکتبر سال ۱۲۲٦ میلادی در شهر خود جان به جان آفرین تسلیم کرد و کلیسایی بر روی مقبره وی بنا شد.



آفریقا، هوش مصنوعی و مسئله هسته‌ای

Hic sunt leones (اینجا شیران هستند؛ هشدار لاتین به منطقه ناشناخته، خطرناک و پر از حیوانات درنده)

در سال ۲۰۲۷، نشستی درباره هوش مصنوعی در حوزه نظامی

به قلم جولیانوآلبانزه (Giuliano Albanese)

تصمیم کنیا برای میزبانی چهارمین «نشست هوش مصنوعی مسئولانه در حوزه نظامی» (REAIM) در نایروبی، در روزهای ۷ و ۸ آوریل ۲۰۲۷، بسیار فراتر از انتخاب محل برگزاری این نشست است. این نخستین بار خواهد بود که یکی از این اجلاس‌ها در آفریقا و در جنوب جهانی برگزار می‌شود و این فرصت را برای قاره آفریقا فراهم خواهد کرد که به‌عنوان یک بازیگر اصلی وارد بحث بین‌المللی درباره هوش مصنوعی (IA) در حوزه نظامی شود.

با این حال، موضوعی وجود دارد که شایسته است با جدیت بیشتری در دستور کار این نشست قرار گیرد. بحث درباره هوش مصنوعی نظامی نمی‌تواند تنها به پهپادها، سلاح‌های خودمختار یا قابلیت‌های سایبری محدود شود. نقطه تلاقی نگران‌کننده‌تری نیز وجود دارد و آن «نقطه تلاقی میان هوش مصنوعی و سلاح‌های هسته‌ای است». این مسئله به معنای بررسی ورود الگوریتم‌ها به سامانه‌های هشدار زودهنگام، فعالیت‌های اطلاعاتی، سامانه‌های فرماندهی و کنترل و ابزارهای پشتیبان تصمیم‌گیری است؛ ابزارهایی که در یک وضعیت بحرانی ممکن است تصمیمی برگشت‌ناپذیر به آنها وابسته باشد.

دقیقاً در همین زمینه بود که «مجمع جهانی برندگان نوبل درباره هوش مصنوعی و جنگ هسته‌ای» (Global Nobel Laureates Assembly on Artificial Intelligence and Nuclear War)، که از ۱۴ تا ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۶ در کاستل گاندولفو و رُم برگزار شد، وارد بحث شد. این نشست دو مسئله‌ای را که اغلب بیش از

حد جدا از یکدیگر بررسی می‌شوند، در یک افق مشترک قرار داد: «خطر هسته‌ای و ادغام سریع هوش مصنوعی در سامانه‌های نظامی». «بیانیه رم» که در جلسه پایانی در ساختمان شهرداری رُم، در میدان کامپیدولیو، ارائه شد، یک اصل اساسی را در مرکز توجه قرار داد: «تصمیم‌هایی که زندگی و مرگ، جنگ و صلح به آنها وابسته است، نمی‌توانند به ماشین‌ها، الگوریتم‌ها یا سامانه‌های خودمختار واگذار شوند».

هوش مصنوعی هم‌اکنون در تحلیل داده‌ها، فعالیت‌های اطلاعاتی و سامانه‌های هشدار حضور دارد. پرسش واقعی این است که تا چه اندازه در فرایندهای تصمیم‌گیری نفوذ خواهد کرد و چه محدودیت‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی برای کاربرد آن تعیین خواهد شد. در این میان، مقر مقدس می‌تواند نقشی نه‌چندان فرعی ایفا کند. این نهاد نه زرادخانه‌ای در اختیار دارد، نه یک قدرت فناورانه است و دقیقاً به همین دلیل می‌تواند از جایگاهی ویژه سخن بگوید. مقر مقدس دهه‌هاست از خلع سلاح هسته‌ای و برتری حقوق بر منطق بازدارندگی حمایت کرده است. امروزه تأمل درباره هوش مصنوعی نیز به این تعهد افزوده شده است. لئون چهاردهم این دو موضوع را در یک افق اخلاقی مشترک قرار داده است: اینکه در کنار انتقاد از مسابقه جدید هسته‌ای، درخواستی مبنی بر آن مطرح می‌شود که کاربرد نظامی هوش مصنوعی تحت سخت‌گیرانه‌ترین محدودیت‌ها قرار گرفته و برتری وجدان و مسئولیت انسانی حفظ گردد. از این منظر، فناوری باید از منطق سلطه دور نگه داشته شود و در خدمت انسان و خیر مشترک قرار گیرد.

مشارکت مقر مقدس در این زمینه به معنای ارائه راه‌حل‌های فنی نیست، بلکه به معنای کمک به ایجاد فضایی سیاسی و اخلاقی می باشد که در آن دولت‌ها، دانشمندان و جامعه مدنی بتوانند درباره حدود و مرزها تأمل کنند. امکان فنی، به‌طور خودکار، به معنای مشروعیت سیاسی نیست.

از دیدگاه آفریقایی، این مسئله شایسته توجه بیشتری است. در این قاره، خلع سلاح هسته‌ای همچنان از جایگاهی دیپلماتیک برخوردار است، در حالی که هوش مصنوعی نظامی عمدتاً در ارتباط با پهپادها، سلاح‌های خودمختار و

قابلیت‌های سایبری مورد بحث قرار می‌گیرد. ضمن اینکه، در مقایسه، بحث درباره نقطه تلاقی هوش مصنوعی و سامانه‌های هسته‌ای فرماندهی و کنترل، کمتر توسعه یافته است.

این موضوع یک تناقض است، زیرا آفریقا در نظم هسته‌ای بین‌المللی جایگاهی منحصربه‌فرد دارد. «معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آفریقا» (African Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty) که بیشتر با نام «معاهده پلیندابا» (Pelindaba) شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۶ برای امضا گشوده شد و در سال ۲۰۰۹ به اجرا درآمد و آفریقا را به منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای تبدیل نمود. این معاهده توسعه، تولید، دستیابی، مالکیت و استقرار سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع می‌کند و سازوکارهای مشخصی برای راستی‌آزمایی پیش‌بینی کرده است.

به این تجربه، تجربه آفریقای جنوبی نیز افزوده می‌شود. پرتوریا در دوران آپارتاید توانایی هسته‌ای نظامی خود را توسعه داد و به تولید شش دستگاه هسته‌ای رسید، اما سپس پیش از پیوستن به «معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (NPT) به‌عنوان یک کشور غیرهسته‌ای، کل برنامه خود را برچید. این نمونه در تاریخ اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بی‌همتاست.

پلیندابا و تجربه آفریقای جنوبی اصلی را مطرح می‌کنند که فراتر از مسئله هسته‌ای است: امنیت لزوماً نباید از طریق انباشت توانایی‌های ویرانگر ایجاد شود. امنیت می‌تواند از خودمحدودسازی، ممنوعیت، راستی‌آزمایی و اشتراک‌گذاری هنجارهای منطقه‌ای نیز شکل بگیرد. دقیقاً در همین جاست که تجربه آفریقا می‌تواند الگویی سودمند برای تنظیم و مقررات‌گذاری هوش مصنوعی نظامی نیز ارائه دهد: «هر چیزی که از نظر فنی امکان‌پذیر است، لزوماً از نظر سیاسی مشروع یا از نظر راهبردی مطلوب نیست».

هوش مصنوعی این تأمل را فوریت بیشتری می‌بخشد. خطر تنها در سناریوی افراطیِ ماشینی خودمختار که اجازه تصمیم‌گیری درباره پرتاب سلاح هسته‌ای را داشته باشد خلاصه نمی‌شود. هوش مصنوعی می‌تواند در تمام فرایندی که

پیش از یک تصمیم رخ می‌دهد وارد شود: «تحلیل ماهواره‌ای، شناسایی تهدیدها، پردازش اطلاعات، دفاع سایبری و سامانه‌های هشدار».

دقیقاً در همین نقطه است که سرعت می‌تواند از یک مزیت عملیاتی به عاملی برای بی‌ثباتی تبدیل شود. یک الگوریتم می‌تواند در چند ثانیه حجم عظیمی از داده‌ها را پردازش کند؛ داده‌هایی که برای یک تصمیم‌گیرنده انسانی دسترسی به آنها ممکن نیست. اما این شتاب، زمان لازم برای ارزیابی سیاسی را فشرده می‌کند. داده‌ها ممکن است ناقص یا دستکاری‌شده باشند، سامانه‌ها ممکن است دچار خطا شوند و اپراتورها ممکن است اعتماد بیش از حدی به ماشین پیدا کنند. اما در حوزه هسته‌ای، یک خطا می‌تواند برگشت‌ناپذیر باشد.

به همین دلیل، کنترل مؤثر انسانی صرفاً یک بند اخلاقی نیست، بلکه بخشی از ثبات راهبردی است. کنترل انسانی ضروری است تا مانع از آن شود که تصمیم‌های حیاتی و سرنوشت‌ساز به سامانه‌هایی سپرده شوند که سرعت و میزان ابهام آنها از ظرفیت نظارت نهادها فراتر می‌رود. مسئله این است که چه کسی در سراسر زنجیره تصمیم‌گیری، واقعاً اختیار نهایی را حفظ خواهد کرد.

برای آفریقا، مسئله اصلی این نیست که یک مسابقه احتمالی قاره‌ای برای دستیابی به سلاح اتمی را فرض کنیم. پیامدهای هرگونه تشدید تنش هسته‌ای جهانی خواهد بود، در حالی که معماری‌های فناورانه و دکترین‌های مربوط به سامانه‌های هسته‌ای مجهز به هوش مصنوعی، عمدتاً توسط قدرت‌های هسته‌ای و کشورهای دارای پیشرفته‌ترین فناوری‌ها طراحی و تدوین می‌شوند. در اینجا بار دیگر یکی از عدم‌تقارن‌های موجود در حکمرانی بین‌المللی خود را نشان می‌دهد: «کسانی که کمترین سهم را در ایجاد خطر دارند، اغلب از کمترین توانایی برای تأثیرگذاری بر قواعد نیز برخوردارند».

بنابراین، نایروبی ۲۰۲۷ می‌تواند چیزی فراتر از یک رویداد مهم بین‌المللی باشد که در آفریقا میزبانی می‌شود. این قاره می‌تواند میراث سیاسی خاص خود را وارد بحث درباره هوش مصنوعی نظامی کند. خلع سلاح هسته‌ای، سلاح‌های

خودمختار، حاکمیت دیجیتال، هوش مصنوعی نظامی و امنیت سایبری، اکنون همگی به یک پرسش واحد بازمی گردند: «هنگامی که ماشین‌ها بیش از پیش تصمیم‌های انسانی را هدایت می کنند، چه کسی اختیار نهایی استفاده از زور را حفظ خواهد کرد؟»

در اینجا می‌توان زمینه‌ای ثمربخش برای گفت‌وگو میان آفریقا و مقر مقدس شکل داد. آفریقا تجربه پلِینداباِ، تاریخ خلع سلاح آفریقای جنوبی و سنتی دیپلماتیک در نقد عدم‌تقارن نظم هسته‌ای را با خود به همراه دارد. مقر مقدس نیز سابقه‌ای طولانی در زمینه سلب مشروعیت از سلاح‌های هسته‌ای و تأملی روزافزون درباره نظامی‌سازی هوش مصنوعی دارد. کاستل گاندولفو همچنین نشان داده است که می‌توان جامعه علمی، نهادها، برندگان جایزه نوبل و شخصیت‌های دینی را حول یک پرسش جهان‌شمول گرد هم آورد.

هدف این نیست که قدرتی نظارتیِ وجودنداشته را به مقر مقدس نسبت دهیم. نقش احتمالی آن متفاوت است. در بحران چندجانبه‌گرایی، مقر مقدس می‌تواند به باز نگه داشتن فضایی برای میانجی گری کمک کند؛ فضایی که در آن خلع سلاح به‌عنوان باقی‌مانده‌ای آرمان‌گرایانه تلقی نشود و نوآوری فناورانه نیز به‌عنوان سرنوشتی اجتناب‌ناپذیر پذیرفته نشود.

این همان نقطه‌ای است که کاستل گاندولفو و نایروبی می‌توانند، دست‌کم در سطح آرمانی، به یکدیگر برسند. نخستین ابتکار، هوش مصنوعی و سلاح‌های هسته‌ای را در چارچوب یک مسئله مشترک انسان‌شناختی و سیاسی قرار داد. نشست بعدی REAIM می‌تواند این فرصت را برای آفریقا فراهم کند که این پرسش را به یکی از مهم‌ترین مجامع بین‌المللی درباره هوش مصنوعی نظامی وارد کند.

آفریقا برای مدت‌های طولانی پیامدهای نظم‌های بین‌المللی طراحی‌شده در خارج از قاره را تجربه کرده است؛ از استعمار گرفته تا جنگ سرد و تا رقابت کنونی بر سر منابع و فناوری‌ها. امنیت در عصر هوش مصنوعی نباید همان عدم‌تقارن را بازتولید کند. کافی نیست که خواستار نمایندگی بیشتر آفریقا در نهادهای تصمیم‌گیری باشیم. باید پذیرفت که این قاره

تجربه‌هایی در اختیار دارد که می‌توانند در تعریف قواعد نقش داشته باشند. زیرا پلیندابا پیامی دارد که از مسئله هسته‌ای فراتر می‌رود: هر چیزی که یک جامعه سیاسی از نظر فنی توانایی ساختنش را دارد، لزوماً نباید ساخته، مالکیت یا استفاده شود. توانایی فناورانه به‌طور خودکار مشروعیت سیاسی ایجاد نمی‌کند. کاستل گاندولفو پرسش دیگری را مطرح کرده است: «چه کسی فناوری‌هایی را که قادرند از بشریت محافظت کنند، اما در عین حال در نابودی آن نیز سهیم باشند، اداره و کنترل خواهد کرد؟» آفریقا و مقر مقدس می‌توانند کمک کنند تا پاسخ این پرسش، صرفاً توسط قدرت‌های هسته‌ای و مراکز بزرگ فناوری جهان تدوین نشود. مسئله فقط این نیست که ماشین‌ها تا چه اندازه هوشمند خواهند بود. مسئله این است که تصمیم بگیریم انسان‌ها تا چه اندازه همچنان قادر خواهند بود آنها را هدایت و کنترل کنند.

شاخ آفریقا، گسل ژئوپلیتیکی نظم نوین جهانی

به قلم جولیانوآلبانزه (Giuliano Albanese)

نقشه‌های سنتی، شاخ آفریقا را در حاشیه این قاره قرار می‌دهند. متأسفانه این تصویری گمراه‌کننده است. اریتره، اتیوپی، جیبوتی و سومالی در نقطه تلاقی نظام بین‌الملل قرار گرفته‌اند. در اینجا آفریقا با شبه‌جزیره عربستان روبه‌رو می‌شود، دریای مدیترانه با اقیانوس هند ارتباط می‌یابد و مسیرهای آسیایی به سوی سوئز همگرا می‌شوند. شاخ آفریقا همچون یک لولا (لولای درب) میان آفریقا، خاورمیانه و حوزه هند و اقیانوس آرام عمل می‌کند. همان گونه که برخی از خوانندگان ما به یاد دارند، ما پیش‌تر نیز در صفحات این روزنامه یعنی اُسرواتوُره رومانوُ «L'Osservatore Romano» درباره اهمیت محوری شاخ آفریقا در چارچوب آنچه «مدیترانه گسترده» نامیده می‌شود، نوشته بودیم. مرکز ثقل این سیستم یا نظام، باب‌المندب است؛ تنگه‌ای میان یمن و سواحل آفریقا. نام عربی آن، «دروازه اشک‌ها»، یادآور خطرناک بودن تاریخی این گذرگاه است.

باب‌المندب همراه با کانال سوئز یک کریدور راهبردی واحد را تشکیل می‌دهد: یک بحران در این منطقه بر تجارت میان آسیا و اروپا، هزینه‌های انرژی و زنجیره‌های تأمین اثر می‌گذارد و آسیب‌پذیری اقتصاد جهانی را آشکار می‌کند.

بنابراین می‌توان شاخ آفریقا را خط گسلی میان شرق و غرب دانست، اما نه بر اساس الگوی دوگانه جنگ سرد. در این منطقه رقابت میان ایالات متحده و چین، گسترش نفوذ پادشاهی‌های خلیج (بدون ذکر عبارت "فارس")، فعالیت‌های ترکیه، منافع مصر، جنگ در یمن، جاه‌طلبی‌های دریایی اتیوپی و ابتکارهای اروپایی بر یکدیگر منطبق شده‌اند. این گسل از میان ائتلاف‌های متحرک عبور می‌کند، نه میان دو بلوک منظم. جیبوتی روشن‌ترین نمونه این وضعیت است. در سرزمینی کوچک، تأسیسات نظامی ایالات متحده، چین، فرانسه، ژاپن و ایتالیا فعالیت می‌کنند. پکن نخستین پایگاه نظامی دائمی خود در خارج از کشور را در اینجا ایجاد کرده است. نزدیکی تأسیسات آمریکایی و چینی، رقابت جهانی را

تقریباً به پدیده‌ای ملموس و فیزیکی تبدیل کرده است. با این حال، کشورهای شاخ آفریقا مهره‌های ساده‌ای در این بازی نیستند: آنها از موقعیت جغرافیایی خود برای جذب سرمایه‌گذاری، کسب درآمدهای بندری و افزایش استقلال دیپلماتیک خود استفاده می‌کنند.

در مرکز این بازآرایی، اتیوپی قرار دارد. این کشور از سال **۱۹۹۳** فاقد دسترسی به دریا بوده و تا حد زیادی به کریدور منتهی به جیبوتی وابسته است. جست‌وجو برای دستیابی باثبات‌تر به دریای سرخ، پاسخی به یک نیاز اقتصادی و راهبردی است. یادداشت تفاهمی که در سال **۲۰۲٤** با سومالی‌لند امضا شد و در آن امکان دسترسی به دریا در ازای نوعی شناسایی سیاسی احتمالی مطرح شده بود، از سوی موگادیشو نقض حاکمیت سومالی تلقی شد و مصر، اریتره، ترکیه و قدرت‌های خلیج (بدون ذکر عبارت "فارس") را نیز درگیر کرد. «اعلامیه آنکارا» که در دسامبر **۲۰۲٤** با میانجیگری ترکیه شکل گرفت، این رویارویی را به مسیر مذاکره بازگرداند. اتیوپی و سومالی بار دیگر بر حاکمیت و تمامیت ارضی خود تأکید کردند و هم‌زمان علاقه اتیوپی به دسترسی امن به دریا از طریق توافق‌هایی تحت اختیار دولت سومالی را به رسمیت شناختند. این فرمول از شدت تنش کاست، اما مسائل مربوط به کریدور، ماهیت احتمالی غیرنظامی یا نظامی آن و نقش سومالی‌لند را حل نکرد.

نقش‌آفرینی ترکیه نشان می‌دهد که تقابل میان شرق و غرب تا چه اندازه ناکافی است. آنکارا عضو ناتو است، اما در شاخ آفریقا سیاستی مستقل دنبال می‌کند. ترکیه در سومالی حضور نظامی، اقتصادی و زیرساختی ایجاد کرده و در عین حال روابط مستحکمی با آدیس‌آبابا حفظ کرده است. این راهبرد یک قدرت متوسط است که همکاری، سرمایه‌گذاری و میانجیگری را با یکدیگر ترکیب می‌کند. در همین چارچوب، سلسله رایزنی‌هایی نیز قرار می‌گیرد که در ژوئیه گذشته در قاهره میان مقام‌های مصری، نمایندگان سومالی و اریتره و یک فرستاده ارشد آمریکایی انجام شد. این نشست، یک اجلاس چهار جانبه یا یک ائتلاف جدید نبود، بلکه گفت‌وگوهایی جداگانه بود که نشان‌دهنده تلاش مصر برای پیوند دادن اختلاف بر سر رود نیل با رقابت بر سر سواحل شاخ آفریقاست. برای قاهره، امنیت دریای سرخ از امنیت سوئز

جدایی‌ناپذیر است، در حالی که قدرت گیری اتیوپی هم از منظر سد بزرگ رنسانس و هم در ارتباط با احتمال حضور دائمی آدیس‌آبابا در سواحل دریا مورد توجه قرار می گیرد. سومالی برای مصر اهرمی دیپلماتیک فراهم می‌کند که بر تمامیت ارضی استوار است. اریتره دارای بندرهای مصوع و عصب و همچنین موقعیتی تعیین‌کننده در برابر یمن است. روابط میان اسمره و آدیس‌آبابا که با توافق سال ۲۰۱۸ بهبود یافته بود، پس از جنگ تیگرای بار دیگر رو به وخامت گذاشت. واشنگتن می کوشد از درگیری میان شرکای منطقه‌ای جلوگیری کند، الشباب را مهار کند، از مسیرهای دریایی حفاظت کند و توازن را در برابر چین حفظ نماید، اما فاقد یک راهبرد یکپارچه است.

مهم‌ترین نکته این است که شاخ آفریقا و دریای سرخ دیگر به‌تدریج از فضاهایی جدا از یکدیگر خارج می‌شوند. اقدامات حوثی‌ها، همان گروه مسلح یمنی که عمدتاً شیعه زیدی هستند، بر بندرهای آفریقا و درآمدهای حاصل از سوئز تأثیر می‌گذارد. در مقابل، تنش‌های میان عربستان سعودی و ایران به دو سوی دریای سرخ امتداد می‌یابد، در حالی که سرمایه‌گذاری‌های امارات متحده عربی در بندرها بر توازن میان سومالی، سومالی‌لند، اتیوپی و اریتره تأثیر می گذارد.

در ۳۰ ژوئیه، ریاض طرح تشکیل یک ائتلاف چندملیتی برای دفاع دریایی را ارائه کرد که چهارده کشور، از جمله مصر، ترکیه، سودان و جیبوتی، از آن حمایت کردند، در حالی که امارات متحده عربی و عمان در میان اعضای آن نبودند. این ابتکار، نظامی‌تر شدن فزاینده این کریدور را تأیید می‌کند. خطر آن است که امنیت مسیرهای دریایی بر امنیت جوامع ساحلی غلبه کند. با دریای سرخ همچون یک بزرگراهی که باید از آن حفاظت کرد رفتار می‌شود، در حالی که مردم آفریقا از جنگ، ناامنی غذایی و بحران‌های اقلیمی رنج می‌برند. در این چارچوب، جنگ سودان موضوعی حاشیه‌ای نیست. این کشور نیل، ساحل آفریقا، شاخ آفریقا و دریای سرخ را به یکدیگر متصل می کند. پورت‌سودان Port Sudan به مرکز اصلی سیاسی و لجستیکی نیروهای مسلح سودان تبدیل شده است، در حالی که رقابت بر سر بندرها و منابع، ابعاد بین‌المللی این درگیری را افزایش می‌دهد.

دیپلماسی نیز پراکنده است. سازمان ملل متحد، اتحادیه آفریقا(AU) ، ایگاد (IGAD) ـ سازمان بین‌دولتی توسعه) و قدرت‌های منطقه‌ای، ابتکارهای موازی متعددی را پیش می‌برند؛ امری که به طرف‌های درگیر اجازه می‌دهد مناسب‌ترین مجمع را برای خود انتخاب کنند و در نتیجه میانجیگری را تضعیف می‌کند. در اینجا مسئله اساسی ایگاد مطرح می‌شود. این سازمان از هشت کشور شاخ آفریقا و شرق آفریقا تشکیل شده است. این سازمان با وابستگی متقابل میان درگیری‌ها، خشکسالی، مهاجرت و جابه‌جایی جوامع دامدار آشناست و از طریق سازوکار «Cewarn» (سازوکار هشدار زودهنگام و واکنش به مناقشات)، تجربه‌ای در زمینه پیشگیری به دست آورده است. این سازمان همچنین دارای یک کارگروه ویژه درباره دریای سرخ است که با هدف تدوین یک موضع مشترک و یک برنامه منطقه‌ای شکل گرفته است.

مشکل ـ و باید بر آن تأکید کرد ـ نبود ابزارها نیست، بلکه ضعف سیاسی است. اتیوپی و سومالی در یک سازمان واحد عضویت دارند، در حالی که بر سر دسترسی به دریا با یکدیگر اختلاف دارند.

سودان در فوریه گذشته مشارکت کامل خود را از سر گرفت، در حالی که اریتره در دسامبر ۲۰۲۵ خروج خود را رسماً اعلام کرد. غیبت اریتره تناقضی جدی برای سازمانی است که در پی دستیابی به سیاستی مشترک در قبال دریای سرخ است. ایگاد همچنین از قاعده اجماع، وابستگی مالی به شرکای خارجی و گرایش کشورهای عضو به ترجیح توافق‌های دوجانبه رنج می‌برد. این به معنای بی‌اهمیت بودن آن نیست، بلکه به این معناست که این سازمان قادر به تحمیل راه‌حل‌ها نیست. وظیفه آن باید ایجاد قواعد مشترک برای دسترسی به دریا، با احترام به حاکمیت کشورهای ساحلی؛ ترویج شفافیت درباره حضور نظامی خارجی؛ قرار دادن میانجیگری‌های خارجی در چارچوبی آفریقایی و هماهنگ با اتحادیه آفریقا؛ و عبور از یک برداشت صرفاً نظامی از امنیت باشد، به‌گونه‌ای که درگیری‌ها، اقلیم، تجارت و جابه‌جایی جوامع دامدار به یکدیگر مرتبط شوند. معاهده‌ای که در سال ۲۰۲۳ به تصویب رسید و پس از رسیدن تعداد تصویب‌ها به حد نصاب لازم در ژانویه ۲۰۲۶ لازم‌الاجرا شد، مبنای حقوقی مستحکم‌تری فراهم می‌کند. همچنین بازگشایی یک گفت‌وگوی ساختاریافته با اریتره ضروری است.

شاخ آفریقا محکوم نیست که به میدان نبرد یک جنگ سرد جدید تبدیل شود. حضور قدرت‌های خارجی می‌تواند سرمایه‌گذاری و فرصت ایجاد کند. اما بدون قواعد منطقه‌ای، رقابت خارجی، رقابت‌ها و اختلافات محلی را تشدید می‌کند و بندرها، سدها و پایگاه‌های نظامی را به ابزارهای فشار تبدیل می‌سازد. گسل واقعی فقط شرق و غرب را از یکدیگر جدا نمی‌کند. این گسل، دو نظم منطقه‌ای ممکن را از هم جدا می‌کند: یکی نظمی که در آن شاخ آفریقا همچنان سکویی باقی می‌ماند که قدرت‌های خارجی از طریق آن از مسیرهای دریایی حفاظت کرده و بر سر دسترسی‌ها مذاکره می‌کنند؛ و دیگری نظمی که در آن کشورهای آفریقایی رقابت بین‌المللی را مدیریت می‌کنند، بی‌آنکه خود در آن گرفتار و قربانی شوند. آینده ایگاد در همین نقطه تعیین می‌شود.

اگر این سازمان (ایگاد IGAD) همچنان نهادی فنی و حاشیه‌ای نسبت به تصمیم‌های بزرگ باقی بماند، نظم جدید دریای سرخ در جای دیگری: در قاهره، آنکارا، ریاض، واشنگتن یا پکن، تعیین خواهد شد. اگر بتواند به مرکز یک دیپلماسی منطقه‌ای هماهنگ با اتحادیه آفریقا تبدیل شود، خواهد توانست به تبدیل شاخ آفریقا از عرصه رقابت به فضایی برای همکاری کمک کند.

مسئله تعیین‌کننده این نیست که چه کسی بر باب‌المندب مسلط خواهد شد، بلکه این است که آیا مردم دو سوی این تنگه خواهند توانست مانع شوند که «دروازه اشک‌ها» بار دیگر به نماد نظمی تبدیل شود که بر پایه زور و تابع کردن منافع آفریقایی بنا شده است.

حدیث هفته



قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

ثَلاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فيه فَلَيْسَ مِنّى وَ لا مِنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ. قيلَ: يا رَسولَ اللّهِ، وَ ما هُنَّ؟ قالَ: حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجاهِلِ وَ حُسْنُ خُلْقٍ يَعيشُ بِهِ فِى النّاسِ وَ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعاصِى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ؛



پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) میفرمایند:

سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزّوجلّ. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمودند: بردباری که به وسیله آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پارسایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد.

(خصال، ص ۱۴۵، ح ۱۷۲)



واتیکان در هفته ای که گذشت ...



مقر مقدس در سازمان ملل: اکتشافات فضایی به نفع همه ملت ها باشد



۲۹ اکتبر– مون سینیور کریستوف الکسیس ناظر دائمی مقر مقدس در سازمان ملل گفت اکتشاف و استفاده از فضای ماوراء جو زمین فرصت های فوق العاده ای برای پیشرفت علمی و پیشرفت جامع انسانی فراهم می کنند، به شرط ضروری اینکه این نوآوری ها به نفع همه ملت ها باشند و نابرابری ها و اشکال انزوا را بوجود نیاورند.

وی که در چهارمین کمیسیون سازمان ملل در مورد همکاری بین المللی در استفاده صلح آمیز از فضای ماوراء جو سخنرانی می کرد، یادآوری کرد که این موضوع در "پیمان ماورای جو" سال ۱۹۶۷ آمده است و مشخص می کند که تحقیق در این حوزه می تواند به مقابله با چالش های بزرگ کمک کند.

وی افزود: فناوری های فضایی ابزاری ارزشمند برای مقابله با چالش های ضروری هستند که سیاره ما باید با آنها روبرو شود، از جمله آنها، تغییرات اقلیمی، عدم امنیت غذایی،کمبود آب و فجایع طبیعی است. برای رسیدن به این هدف، تقویت همکاری بین المللی، قبل از همه به اشتراک گذاشتن دانش ضروری است، تا کشورهای در حال رشد بتوانند به طور کامل از این پیشرفت ها سود ببرند.

گردهمایی کمیسیون بین المللی کاتولیک در امور مهاجرین



۲۹ اکتبر – کمیسیون بین المللی کاتولیک در امور مهاجرین (Ccim) به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد خود از ۱۰ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶ در شهر رم تشکیل جلسه می دهد.

این کمیسیون صدای همه شوراهای اساقفه جهان است که در جلسه خود در شهر رم در مورد چالش های ژئوپلیتیک و بشردوستانه مورد توجه همه جوامع کلیسایی قاره های جهان صحبت می کند.

این کمیسیون در سال ۱۹۵۱ توسط پاپ پیوس دوازدهم تاسیس شد.

وظیفه این کمیسیون حمایت و کمک رسانی به پناهندگان، درخواست کنندگان پناهندگی،آوارگان، مهاجرین و قربانیان قاچاق انسان، صرف نظر از دین، نژاد، ریشه قومی یا ملیت آنها، است.

پاپ در انتخابات میان دوره ای آمریکا رای داد



۳۰ اکتبر– پاپ لئون چهاردهم رای خود را برای انتخابات میان دوره ای در آمریکا از طریق پست ارسال کرد.

پس از اخبار مختلف منتشر شده در رسانه ها، دفتر مطبوعاتی مقر مقدس با تایید این خبر تاکید کرد که پاپ متولد شهر شیکاگو است و به عنوان یک شهروند آمریکایی از حق خود برای رای دادن استفاده کرده است.

در ادامه این بیانیه آمده است: پدر مقدس همچنین تایید کرد که در جریان سال ها سکونت در کشور پرو، در رای گیری ها به مناسبت های مختلف شرکت کرده است.

در پایان خبر آمده است: در آمریکا انتخابات روز ۳ نوامبر برگزار می شود.

انجیل و جامعه: «مسیحیان و مسلمانان در مدرسه؛ شکستن سد جهل و ترس»



در تاریخ ۲۱ اکتبر، جنجال و انتشار اخبار جعلی (Fake News) در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی درباره اجباری شدن آموزش اسلام در مدارس ایتالیا، واکنش تند مقام‌های کلیسا را به دنبال داشت. وینچنتسو کورادو، مدیر ارتباطات اجتماعی شورای اساقفه ایتالیا (CEI)، این ادعاها را «شایعات بی‌اساس» خواند و تأکید کرد که انتشار «برگه‌های راهنمای شناخت اسلام» صرفاً با هدف ارائه منابعی کاملاً معتبر به مؤلفان کتاب‌های درسی صورت گرفته است تا دانش‌آموزان به درکی درست و دور از تعصب دست یابند. در همین راستا، کاردینال ماتئو زوپی رئیس شورای اساقفه ایتالیا با اشاره به ریشه‌دار بودن جهل عمومی در این زمینه، اهمیت آموزش صحیح را یادآور شد. همچنین، پروفسور فرانکو کاردینی، تاریخ‌نگار برجسته، با اشاره به ریشه مشترک ابراهیمی و پیوندهای عمیق تاریخی میان اسلام و مسیحیت، مدرسه را بهترین سنگر برای مبارزه با ترس‌های متقابل، ریشه‌کنی سوءتفاهم‌ها و تقویت گفت‌وگوی سازنده میان ادیان دانست.

فرانکو کاردینی پیشنهاد می‌کند که مدرسه باید به اصلی‌ترین پایگاه برای گفت‌وگوی بین‌ادیبی و ریشه‌کنی ترس و تعصبات متقابل میان مسیحیان و مسلمانان تبدیل شود. به باور او، آموزش هم‌زمانِ نقاط مشترک و تفاوت‌های این دو دین ابراهیمی، زمینه‌ساز شناخت دقیق‌تر تاریخ و گذشته مشترک جوامع غربی می‌شود، چرا که بخش مهمی از میراث فرهنگی و علمی جهان باستان از طریق جهان اسلام به غرب منتقل شده است. کاردینی تأکید می‌کند که به جای تعمیم دادن افراط گرایی به کل جهان اسلام یا نادیده گرفتن ریشه‌های توحیدی مشترک، باید چرخه معیوب جهل و سوءتفاهم را شکست؛ امری که تنها با تربیت معلمان شایسته و پروراندن نسلی آگاه، روادار و آماده برای گفت‌وگوی واقعی در مدارس امکان‌پذیر خواهد بود.

مقر پاپ و دفاع از آموزش همزیستی؛ پاسخ صریح معلم کاتولیک به جنجال‌های اخیر



در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۶، جنجال‌های اخیر رسانه‌ای و انتقادات تندروها پیرامون انتشار «برگه‌های راهنمای شناخت اسلام» توسط شورای اساقفه ایتالیا (CEI) با واکنش قاطع یک معلم دین کاتولیک مواجه شد. این معلم با انتشار یادداشتی در دفاع از اقدامات شورای اساقفه مذکور و رئیس آن کاردینال ماتئو زوپی، ادعای برخی منتقدان مبنی بر «تضعیف هویت ساعت درسی دین کاتولیک» یا «تلاش برای ترویج بنیادگرایی» را کاملاً بی‌اساس و دروغ خواند. وی تأکید کرد که پرداختن به ادیان دیگر مانند اسلام و یهودیت، نه تنها برخلاف اصول نیست، بلکه کاملاً منطبق بر «دستورالعمل‌های ملی» وزارت آموزش و پرورش است تا دانش‌آموزان در جامعه‌ای متکثر، روحیه گفت‌وگو و احترام متقابل را بیاموزند.

این جنجال‌ها پس از آن بالا گرفت که برخی جریان‌ها با تحریف هدفِ این برگه‌های راهنما—که صرفاً ابزاری مطمئن برای ارتقای دانش معلمان است—تلاش کردند آن را به عنوان انحراف از اصول کلیسا جلوه دهند، در حالی که تجربیات عملی کلاس‌های درس نشان می‌دهد شناخت صحیح ادیان، سد محکمی در برابر جهل و تعصبات افراطی است. گفتنی است نام معلم ایتالیایی مورد اشاره لورنتزو گالیانی (Lorenzo Galliani)است که به عنوان معلم دین کاتولیک فعالیت می‌کند.

پاپ: «هوش مصنوعی در خدمت انسان، با احترام به کرامت و منافع عمومی»



در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، پاپ لئون چهاردهم در دیدار با شرکت‌کنندگان نشست «آینده هوش مصنوعی» در واتیکان هشدار داد که نگاه به توسعه هوش مصنوعی به‌عنوان یک «مسابقه برای پیروزی»، خطر نادیده گرفتن افراد جامانده را به همراه دارد. وی با تأکید بر اینکه تصمیم‌گیری درباره زندگی، آزادی و استفاده از سلاح‌ها هرگز نباید به ماشین‌ها واگذار شود، خواستار خلع سلاح هوش مصنوعی و بویژه ممنوعیت سلاح‌های خودکار کشنده شد.

پاپ همچنین بر ضرورت برخورداری هوش مصنوعی از نظارت انسانی، توزیع عادلانه منافع آن برای خیر همگانی و ایجاد نهادهای بین‌المللی کارآمد جهت اعمال استانداردهای اخلاقی تأکید کرد.

پیام مقر مقدس به هندوها: «بیایید با هم برای صلح تلاش کنیم»



واتیکان در پیامی به مناسبت جشن «دیپاوالی»Deepavali (۸ نوامبر ۲۰۲۶)، از هندوها خواست تا دست در دست مسیحیان، برای برقراری صلح در جهان و مقابله با سوءاستفاده از دین تلاش کنند. این پیام که از سوی «نهاد واتیکان برای گفت‌وگوی بین‌ادیانی» صادر شده، به مناسبت چهلمین سالگرد گردهمایی تاریخی سال ۱۹۸۶ به دعوت پاپ ژان پل دوم در شهر آسیزی ایتالیا منتشر شده است. عنوان اصلی این پیام چنین است: «هندوها و مسیحیان: بیایید با هم در روح آسیزی مسیرهای صلح را خلق کنیم.» این بیانیه به امضای رئیس نهاد پاپی بین ادیانی کاردینال «جورج جاکوب کوواکاد» و اسقف «ایندونیل جاناکاراتنه کودیتوواکو کانمالاگه» دبیر آن نهاد رسیده است. دفتر مطبوعاتی واتیکان در توضیح این جشن یادآور شد: «جشن دیوالی که میان هندوها به نام "دیپاوالی" یا همان صف چراغ‌های روغنی شناخته می‌شود، نماد پیروزی حقیقت بر دروغ، نور بر تاریکی، زندگی بر مرگ و خیر بر شر است.»

این مناسبت همچنین آغاز سال نو، فرصتی برای آشتی خانواده‌ها به‌ویژه خواهران و برادران، و عبادت خداوند به شمار می‌رود. در بخشی از این پیام آمده است که با توجه به چالش‌های امروزی جهان نظیر «جنگ‌ها، درگیری‌ها و استفاده ابزاری و سیاسی از دین»، یادآوری گردهمایی سال ۱۹۸۶ فرصتی ارزشمند فراهم می‌کند تا مسیحیان و هندوها با الهام از آن فضا، راه‌های مشترکی برای صلح بیابند. واتیکان در پایان خطاب به هندوها و مسیحیان تأکید کرده است: دعا برای صلح، زندگی با «روح برادری در روزمره» و «تعهد فعال به گفت‌وگوی بین‌ادیانی در کنار تمامی انسان‌های نیک‌اندیش»، راهکار اصلی پیروان این دو دین است؛ کسانی که با ریشه داشتن در سنت‌های خود، به این اصل آگاه‌اند که «ادیان اصیل ذاتاً مروج صلح هستند و هرگونه خشونت را رد می‌کنند.»

فراخوان شورای اساقفه اروپا برای توقف درگیری‌ها در جهان



در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، رؤسای شوراهای اساقفه اروپا (CCEE) در پایان نشست مجمع عمومی خود در سالزبورگ، با اشاره به چهلمین سالگرد دیدار تاریخی صلح در آسیزی و هشتصدمین سالگرد درگذشت قدیس فرنسیس آسیزی، بیانیه‌ای در درخواست صلح صادر کردند. اسقف‌های اروپا با اشاره به سخنان پاپ لئون چهاردهم مبنی بر اینکه «هیچ جنگ مقدسی وجود ندارد و تنها صلح مقدس است»، عمیق‌ترین نگرانی خود را از جنگ در اوکراین و سایر مناطق بحرانی جهان ابراز داشتند.

آنان تأکید کردند که صلح واقعی با تحمیل به دست نمی‌آید، بلکه از قلب انسان آغاز می‌شود. در این نشست، گینتاراس گروشاس در سمت ریاست شورای اساقفه اروپا تمدید شد و حاضران به بررسی موضوع بشارت دینی و نقش کشیشان در همراهی با مستمندان و ایجاد پیوندهای برادری پرداختند.

سخنرانی پاپ در مراسم عبادی



۱ نوامبر– امروز پاپ در جریان مراسم عبادی در میدان سن پی یترو شهر رم بار دیگر به مسئله جنگ در اوکراین و بخصوص آتش‌بس موقت اخیر در شهر اولشکی این کشور پرداخت.

لئون چهاردهم که قبلاً برای برقراری آتش‌بس در این شهر محاصره شده در تماس تلفنی با پوتین و زلنسکی روسای جمهور روسیه و اوکراین خواستار آتش‌بس و اجازه کمک رسانی به آنجا شده بود، افزود: امیدوارم اینگونه اقدامات بشردوستانه میان روسیه و اوکراین ادامه داشته باشد.

پاپ در ادامه گفت در این روزهای اخیر اقدامات بشردوستانه ای به نفع مردم غیرنظامی اولشکی انجام شد. امیدوارم که همکاری میان دوطرف که باعث این اقدام بشردوستانه شد، میل به گفتگو را افزایش دهد. همه کسانی که در هر منطقه از جهان از جنگ رنج می‌برند را به (حضرت) مریم، ملکه صلح، می سپارم.

در ادامه خبر آمده است *شورای کلیساهای اوکراین* نیز خواستار توقف جنگ و صلحی عادلانه میان روسیه و اوکراین شد.

بولتون: احتمال مداخله روس ها در راهپیمایی های رم و پاریس



ارگان رسمی شورای اساقفه ایتالیا در خبری به نقل از جان بولتون مشاور اسبق امنیت ملی کاخ سفید نوشت: فکر می کنم که روس ها در اروپا از اقدامات خصمانه و فشار راهبردی استفاده می کنند، از ابتدا انقلاب ۱۹۱۷ تلاش می کردند بر انتخابات و روند های سیاسی تاثیر بگذارند.

وی افزود: روس ها همچنان به استفاده از تکنیک های بسیار تاثیرگذار در جنگ سرد ادامه می دهند. فکر می کنم که این تخیل نباشد که به گروه های افراطی کمک مالی می کنند تا جوامع را به بی ثباتی بکشانند. مدرکی ندارم اما اینگونه اقدامات را قبلاً دیده ایم.

دیپلماسی پاپی



۳۱ اکتبر– سراسقف پل ریچارد گالاگر وزیر امور خارجه واتیکان در نشست انجمن مطبوعات خارجی در شهر رم در مورد موضوعات گوناگون از جمله بیماری پاپ، توافق با چین و سفر پاپ به آمریکا صحبت کرد.

وی گفت توافق با چین (در مورد انتصاب اساقفه در این کشور)یک "توافق کامل" نیست و مشکلات آن را از همان روز اول می دانستیم. گفتگو آسان نیست. نقص های توافق آشکار هستند، اما تعهد برای حفظ گفتگو وجود دارد.

مون سینیور گالاگر در مورد سفر پاپ به آمریکا گفت: در آینده ای نه چندان دور انجام می شود، اگر چه ممکن است در سال ۲۰۲۷ نباشد. همه چیز به برنامه های پاپ بستگی دارد.

در ادامه خبر آمده است در همین حال ۵ نوامبر در دانشگاه پاپی اوربانیانا کنفرانسی در مورد صدمین سالگرد انتصاب اولین اسقف های چینی با حضور کاردینال پی یترو پارولین نخست وزیر واتیکان برگزار می شود. توافق موقت با چین در سال ۲۰۱۸ امضاء شد که تابه حال دو بار تمدید شده و تا پایان سال ۲۰۲۶ اعتبار دارد. البته این توافق به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا اغلب چینی ها فشار آورده اند.

سابقه خبر– واتیکان و جمهوری خلق چین فاقد روابط دیپلماتیک هستند اما تلاش برای برقراری روابط ادامه دارد.

پیام پاپ به مناسبت روز جهانی جوانان



۳ نوامبر– پاپ در پیامی در آستانه چهل و یکمین سالروز جهانی (کاتولیکی) جوانان گفت: شماها ارزشمند هستید و برای نشان دادن آن لازم نیست خودتان را به دیگران تحمیل کنید.

در بخش دیگری از این پیام پاپ با یادآوری کلام ژان پل دوم از جوانان مسیحی دعوت کرد تا جرات داشته و تردیدها، محدودیت ها و زخم هایی که کشورها و جوامع را پاره پاره می کنند را با مسیح مطرح کنند.

لئون چهاردهم گفت کرامت از تصویری که برای خودتان ساخته اید بوجود نمی آید، از شکنندگی خود نترسید. انتظار نداشته باشید که برای رسیدن به او باید کامل شوید، با شما همانگونه که هستید دیدار می کند. عیسی مرجعی است که باید به آن رجوع شود. عیسی برخاسته هنوز در میان ما است.

بازدید پاپ از قبرستان تاریخی شهر رم



۲ نوامبر– پاپ به مناسبت جشن همه *مقدسین* در بازدید از قبرستان ورانو شهر رم گفت: باشد که اشک های مادران و کودکان بر وجدان کسانی که می توانند جنگ ها را خاتمه دهند تاثیر بگذارد.

برای کسانی که بخصوص اخیراً عزیزانی را از دست داده اند دعا کنیم. عزیزانی که در خشونت جنگ ها جان خود را از دست داده اند.

پاپ خواستار صلح در خاورمیانه شد



٤ نوامبر– پاپ در دیدار با *موسسه مطالعات مسیحیان شرق* و *فعالیت مسیحیان شرق* در کاخ رسولی واتیکان خواستارصلح در خاورمیانه شد.

وی گفت با ترویج گفتگو میان ملت ها و همچنین میان حوزه هایی به ظاهر دور از یکدیگر، مانند ایمان و عقل، فرهنگ و تاریخ، بار دیگر شرایط برای "صلحی عادلانه و دائمی" در خاورمیانه جستجو شود. گفتگو میان ایمان و عقل، فرهنگ و تاریخ، مسیری اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به عدالت و آشتی است.

این دیدار به مناسبت کنفرانسی با موضوع "ایجاد صلح در جهان: مسیحیان شرق، درگیری ها و ساختن صلح" توسط این دو سازمان در روزهای ٥ و ٦ نوامبر در "مؤسسه پاپی مطالعات کلیسای شرق" در رم، برگزار شد.

پاپ در این دیدار، مراسم دعا برای پیروان فوت شده را یادآوری کرد. در مراسم دو روز پیش در قبرستان شهر رم، پاپ همچنین قربانیان بی شمار درگیری های مسلحانه ای که هنوز جهان را به خون می کشند را به خدای رحمان سپرد.

لئون چهاردهم به آمریکای لاتین می رود



۳ نوامبر– اروگوئه و آرژانتین پس از تقریباً ٤٠ سال شاهد سفر یک پاپ به کشورهای خود هستند، اما پرو کشوری است که لئون چهاردهم سال ها در آنجا سکونت داشت.

این ششمین سفر رسولی بین المللی لئون چهاردهم است که از پس فردا، ٦ تا ١٧ نوامبر به این سه کشور آمریکای لاتین سفر می کند. رئیس دفتر مطبوعاتی واتیکان در دیدار با خبرنگاران گفت "برای پاپ سفر و بخصوص این سفر فرصتی برای شنیدن، دیدار کردن و زمانی برای تبرک است". پاپ در این سفر از حدود ٤٠ خلیفه گری دیدن می کند. موضوع اصلی سفر، نقش کلیسا در جامعه ای عمیقاً تغییر کرده، دفاع از کرامت انسان، توجه به ضعفاء و ساختن خیر عموم است.

آخرین پاپی که از اروگوئه و آرژانتین دیدن کرد، قدیس ژان پل دوم بود، که از آرژانتین در سال ۱۹۸۲ و سال ۱۹۸۷ به مناسبت روز جهانی جوانان، دیدن کرد. وی در سال ۱۹۸۷ از اروگوئه دیدن کرد و سپس در سال ۱۹۸۸ به آنجا بازگشت. پاپ لهستانی همچنین در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ از پرو دیدن کرد. در حالی که فرانچسکو در سال ۲۰۱۸ به این کشور رفت. سفر لئون چهاردهم جمعه ٦ نوامبر به اروگوئه، کشوری با هویت قوی لائیک، اما با ریشه های عمیق مسیحی آغاز می شود. سپس یکشنبه ۸ نوامبر به سوی آرژانتین می رود. آخرین قسمت از این سفر زیارتی به پرو است، جایی که سال ها محل زندگی او بود. پاپ در جریان این سفر با مقامات دولتی، دینی، مدنی و اقشار مختلف دیدار می کند.

وزیر امور خارجه واتیکان: آزادی دینی یک گزینه نیست



دیروز سراسقف پل ریچارد گالاگر وزیر امور خارجه واتیکان با شرکت در کمیسیون امور خارجی و دفاع مجلس سنا ایتالیا درباره آزادی دینی در جهان صحبت کرد. وی گفت آزادی دینی یک امتیازی نیست که توسط دولتی داده شود، بلکه حقی ریشه دار در کرامت انسان است، که باید از آن در "هر جا و برای هرکس" دفاع کرد. وی با اشاره به گزارش انجمن "*اوپن دورز*" افزود: بیش از ۳۸۸ میلیون مسیحی متحمل تعقیب، آزار و تبعیض می شوند.

به گفته سراسقف، در طول یک سال ٤,٨٤٩ مسیحی کشته شدند از جمله ۳,٤۹۰ مسیحی در نیجریه. در غرب نیز فشارهایی برای خصوصی سازی ایمان و محدودیت آزادی وجدان انجام شده است. وی از دولت ها خواست تا فقط به صدور بیانیه اکتفاء نکرده بلکه از نظر "قانونی و دیپلماتیک مداخله کنند" و رعایت آزادی دینی توسط کشورها را برای دریافت کمک برای توسعه، الزامی کنند.

گالاگر خواستار احترام به استقلال جوامع کلیسایی و آموزش دینی فرزندان شد.

وزیر امور خارجه واتیکان در پایان گفت: "آزادی دینی نه یک گزینه است و نه یک امتیاز برای افراد کمی. بلکه حق هر انسان برای زندگی در حیطه عمومی یا خصوصی بر اساس اعتقاد خود است. زمانی که این حق به مسیحیان داده نشود، اساس خود حقوق بشر تضعیف می شود.

دفاع از مسیحیان تحت تعقیب و آزار و پشتیبانی از آزادی دینی، حتی در شکل های کوچک آن مانند منزوی کردن، همبستگی دینی نیست. اقدامی در جهت اصل جهانی بودن کرامت انسانی است. این کمکی به صلح است، زیرا بدون آزادی دینی، صلح نمی‌تواند وجود داشته باشد".

آمریکا، سایه دموکرات ها بر انتخابات میان دوره ای



در انتخابات میان دوره ای ۳ نوامبر، دموکرات ها در مجلس سنا می‌توانند روی ٥٤ کرسی، از جمله دو نماینده مستقل که با آن‌ها هستند،حساب کنند. این در حالی است که جمهوری خواهان ٤٤ کرسی دارند، دو کرسی دیگر هنوز مشخص نیست. در مجلس نمایندگان، دموکرات‌ها با دستیابی به ۲۲۸ کرسی، حد نصاب ۲۱۸ کرسی لازم برای رسیدن به اکثریت را پشت سر گذاشتند. جمهوری‌خواهان نیز به ۱۳۹ کرسی دست یافتند.

هنوز وضعیت ٦٨ حوزه انتخاباتی دیگر مشخص نشده است. اولین پاسخ برای تغییرات به نظر می‌رسد از سوی جوانان، آسیایی‌الاصل ها، اسپانیایی الاصل ها و آمریکای لاتینی الاصل ها باشد.

تگزاس، کانزاس، کارولینای جنوبی، سه ایالت به طور سنتی جمهوری خواه، شگفتی‌های بزرگ انتخابات میان دوره‌ای آمریکا هستند. انتخاباتی که در فردای رای گیری، مجلس سنا را به دموکرات‌ها داده و به نظر می‌رسد کنترل مجلس نمایندگان را نیز برای دموکرات ها تضمین کردند.

جابجایی آراء کاتولیک‌ها نیز قابل‌توجه است. فقط کاتولیک های بالای ٦٥ سال در جهت مخالف و به نفع جمهوری خواهان رای دادند.

اقامه آیین باشکوه یادبود درگذشتگان کاردینال و اسقف

توسط پاپ لئون چهاردهم به اتفاق سفرای کشورهای مقیم در واتیکان



واتیکان – بامداد پنجشنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۶، در کلیسای واتیکان ، پاپ لئون چهاردهم آیین عشاء ربانی را به نیت آمرزش و یادبود کاردینال‌ها و اسقف‌هایی که در طول سال گذشته به دیار باقی شتافته‌اند، با شکوهی خاص اقامه نمود.

این آیین رسمی، میزبان شمار چشمگیری از شخصیت‌های برجسته و عالی‌رتبهٔ سیاسی و دینی، منجمله نمایندگان ارشد هیئت‌های دیپلماتیک و سفرای کشورهای مختلفِ معتبر نزد مقر مقدس، برای ابراز همدردی و ادای احترام در مراسم حضور یافتند؛ در میان این مقام‌های دیپلماتیک، جناب آقای دکتر محمد حسین مختاری، سفیرجمهوری اسلامی ایران نزد سریر مقدس، نیز از مدعوین و حضار بوده اند.

پاپ لئون چهاردهم طی این مراسم و در جریان موعظهٔ خود پس از قرائت انجیل، با اشاره به کلام جاودانهٔ مسیح که می‌فرماید «اگر کسی مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من هستم، خادم من نیز همان‌جا خواهد بود»، حاضران را به تأمل عمیق در باب معنای راستینِ تبعیت از مسیر الهی فراخواند. ایشان خاطرنشان ساختند که راهِ حق، مسیر عبور از گذرگاه‌های دشوار و رنج‌هاست، اما با این وجود، وعدهٔ پیوندی عمیق که مرگ بر آن هیچ تسلط و اقتداری ندارد، ما را در این راه هدایت و پشتیبانی می‌کند؛ رهبر کاتولیک‌های جهان متذکر شدند که هر کس در این مسیر قدم بردارد، خادم حقیقی لقب می‌گیرد و همواره در جوار حقیقتِ الهی خواهد زیست، چرا که گام در همان راهی نهاده که پیشوایان ایمان پیموده‌اند.

رهبرکلیسای کاتولیک در ادامه با استناد به سنن کهن و روایت‌های تاریخیِ، از جمله وصیت پرمعنای قدیسه مونیکا به فرزندان خویش پیش از فرا رسیدن مرگ، ابعاد معنوی «یاد و خاطره درگذشتگان» را واکاوی کردند.

ایشان تأکید نمودند که یادآوریِ مردگان، هرگز نباید به احساسِ دلتنگیِ صرف یا اندوهی زودگذر فرو کاسته شود؛ بلکه باید تجلیِ زنده‌ای از امیدی راسخ و استوار به رستاخیز و بقای حیات در قلمرو ابدیت باشد. پاپ با یادآوری این حقیقت که ارتباط میان زندگان و درگذشتگان در بستر رحمت الهی گسستنی نیست، تصریح کردند که مرگ قادر به گسستن رشته‌های اصیلِ پیوند و محبت میان انسان‌ها نیست، بلکه آن را به ابعادی تازه، متعالی و دگرگون‌شده در بستر عشق لایزال الهی بدل می‌سازد.





روز فرهنگ عمومی، فرصتی برای
بازاندیشی در ارزش‌های والای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی است.

فرهنگِ نیک، آینده‌ای روشن
روابط عمومی...

The Embassy of the Islamic Republic of Iran to the HolySee

Via Bruxelles 57 00198
+39 06 8552494
vat.media@mfa.gov.ir
https://vatican.mfa.gov.ir/portal
IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

128

HEVAR

The Weekly Journal of the Embassy of the Islamic Republic of Iran to the HolySee

Third Year | Issue 128 | 2026 November 6

